



**مجموعه عناوین و خلاصه مدیریتی جدیدترین
انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی،
اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (تابستان ۱۴۰۴)**

تهیه‌کننده: محمد دشوارپسند

تاریخ انتشار:

پاییز ۱۴۰۴



باسمه تعالی

مجموعه عناوین و خلاصه مدیریتی جدیدترین انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (تابستان ۱۴۰۴)

تهیه‌کننده: محمد دشوارپسند



فهرست برگه

مجموعه عناوین و خلاصه مدیریتی جدیدترین انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (تابستان ۱۴۰۴) تهیه‌کننده: محمد دشوارپسند - تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، ۱۴۰۳. ص. ۶۲

شکل، نمودار، جدول (رنگی)

نمایه‌ها:

نشر و انتشار / گزارش / خلاصه مدیریتی / نوع اثر / مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی / وزارت جهاد کشاورزی.

مشخصات:

عنوان: مجموعه عناوین و خلاصه مدیریتی جدیدترین انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (تابستان ۱۴۰۴)

تهیه‌کننده: محمد دشوارپسند

کد فروست: PR-1404-71

ناشر: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

نشانی: تهران - بلوار کریمخان زند - انتهای خیابان شهید عضدی (آبان) جنوبی - خیابان رودسر - پلاک ۵

تلفن: ۴۲۹۱۶۰۰۰

نمابر: ۸۸۸۹۶۶۶۰

نظرات مطرح شده در این اثر لزوماً بیانگر دیدگاه وزارت جهاد کشاورزی و این مؤسسه پژوهشی نمی‌باشد.

با کمال سپاس، مؤسسه پژوهش‌ها پذیرای کلیه نظرات، پیشنهادات و انتقادات ارزشمند خوانندگان این اثر می‌باشد.

E-mail: aperi@agri-peri.ac.ir

ECE: ece.aperi@agri-peri.ac.ir

<https://www.agri-peri.ac.ir>



فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱- گزارش‌های پژوهشی.....	۱
بررسی تأثیر بی‌ثباتی نرخ ارز بر بازدهی سهام شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر صنایع کشاورزی و مواد غذایی).....	۲
بررسی نقش تسهیلات بانکی در رشد ارزش افزوده‌ی کشاورزی ایران.....	۴
بررسی و تعیین رابطه نرخ ارز و تورم با تأکید بر قیمت کالاها و محصولات ذرت دامی، کنجاله سویا، جو و شکر.....	۱۰
ارائه مدل پیش‌بینی نرخ ارز در ایران.....	۱۵
سند جامع خدمات رسانی به ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی.....	۱۸
۲- گزارش‌های علمی - فنی.....	۲۲
بررسی اجمالی مساله ضریب نفوذ دانش در بخش کشاورزی.....	۲۳
بخش کشاورزی در اسناد آمایش سرزمین منطقه ۱ (شامل استان‌های سمنان، گلستان، مازندران، گیلان).....	۲۷
توسعه روستایی در چین (۱۹۷۸-۲۰۲۵).....	۲۸
راهکارهای توسعه روابط خارجی با کشورهای هدف مبتنی بر برنامه هفتم پیشرفت.....	۳۲
کشاورزی قراردادی در راستای کاهش اثرات زیست‌محیطی کشاورزی.....	۳۵
نوآوری‌ها و روندهای نوظهور در بیمه کشاورزی.....	۳۷
بررسی مزایا و معایب احداث و توسعه مگا فارم‌ها در مقایسه با کشاورزی کوچک مقیاس.....	۳۹
۳- گزارش‌های ترجمه‌ای.....	۴۱
چارچوب سیاست سرمایه‌گذاری در کشاورزی.....	۴۲
تجارت کالاهای کشاورزی ۲۰۲۳-۲۰۱۰.....	۴۵
۴- گزارش‌های ادواری.....	۴۶



- ۴۷..... بررسی ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی ایران (منتهی به زمستان ۱۴۰۱).....
- ۵۱..... مجموعه عناوین و خلاصه مدیریتی جدیدترین انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (بهار ۱۴۰۴).....
- ۵۲..... ۵- یادداشت‌های سیاست‌گذاری.....
- ۵۳..... تحلیل تورم خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در خردادماه ۱۴۰۴.....
- ۵۳..... نرخ رشد مثبت ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی ایران در سال ۱۴۰۳.....
- ۵۳..... وضعیت اشتغال بخش کشاورزی ایران در سال ۱۴۰۳.....
- ۵۴..... تحلیل تورم خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات در تیرماه ۱۴۰۴.....
- ۵۴..... بررسی دلایل افزایش قیمت حبوبات.....
- ۵۴..... چشم‌انداز بازار جهانی غلات و پیامدهای سیاستی آن در افق ۲۰۳۲.....
- ۵۵..... تامین مالی جمعی (Crowdfunding)؛ ابزار نوین تأمین مالی بخش کشاورزی.....

۱- گزارش‌های پژوهشی



بررسی تأثیر بی‌ثباتی نرخ ارز بر بازدهی سهام شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران (با تأکید بر صنایع کشاورزی و مواد غذایی)

Investigation of the Effect of Exchange Rate Instability on the Stock Returns of Companies Listed on the Tehran Stock Exchange (with Emphasis on Agricultural and Food Stuff Industries)

نوع انتشار: محدود

مجری: احسان رجبی

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا

شناسه یکتای سامانه سمع: RP-98-4-1-1350

کد فروست: IRP-1404-6

قیمت: ۱۷۲۰۰۰۰ ریال

مقدمه

نرخ ارز به عنوان معیار ارزش پول ملی هر کشور در برابر پول‌های کشور است و می‌تواند، منعکس‌کننده‌ی شرایط اقتصادی آن کشور در مقایسه با شرایط اقتصادی کشورهای دیگر باشد. به بیان دیگر، نرخ ارز در هر کشوری می‌تواند بیانگر سطح رقابت‌پذیری آن کشور در بازارهای جهانی باشد، چرا که نرخ ارز به دلیل ارتباط متقابل با سیاست‌های اقتصاد داخلی و خارجی و تحولات اقتصادی به عنوان یک متغیر کلیدی است. یکی از مسائل مهمی که در زمینه نرخ ارز به ویژه در کشورهای در حال توسعه، موضوع بحث بوده و هست، مسأله نوسانات نرخ ارز و تأثیر آن بر عملکرد متغیرها و بخش‌های مختلف اقتصاد است. در اثر نوسانات نرخ ارز، تولید و درآمد بنگاه‌ها تغییر یافته و در اثر آن قیمت سهام‌شان نیز تغییر می‌کند. تغییر در قیمت سهام شرکت‌ها به نوسانات شاخص کل بازار سهام که مجموعه‌ای از قیمت سهام شرکت‌هاست، منجر می‌شود.

همچنین تغییر نرخ ارز از کانال صادرات و واردات، هزینه کالاهای واسطه‌ای و درآمد شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار داده، در نتیجه، قیمت سهام شرکت‌ها تغییر می‌کند. با کاهش ارزش پول داخلی، قیمت واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای افزایش یافته و هزینه‌ها آنها افزایش می‌یابد. این در حالی است افزایش نرخ ارز و نوسانات (غالباً افزایشی) به سبب درآمدی صادراتی صنایع بورسی نیز انتقال می‌یابد و سوددهی و بازدهی سهام آنها افزایش خواهد یافت. با توجه به مبانی مطرح شده، پژوهش حاضر در پی روشن ساختن این موضوع است که آیا شوک‌های ارزی بر بازدهی سهام (در سه گروه شرکت‌های کشاورزی و غذایی، صنایع صادرات محور و واردات محور) در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار بوده است یا خیر؟

خلاصه یافته‌ها

نتایج پژوهش نشان داد که نوسانات نرخ ارز بر بازده سهام شرکت‌های صنایع کشاورزی و مواد غذایی، واردات‌محور و صادرات‌محور، ارتباط معنی‌داری ندارد. به نظر می‌رسد، تاثیرپذیری صنایع کشاورزی و غذایی و واردات‌محور از نرخ ارز و نوسانات ناشی از وابستگی این صنایع به مواد اولیه وارداتی (شامل نهاده‌های تولید، ماشین آلات و تجهیزات خارجی) است که از طریق نرخ‌های ارز ترجیحی (حمایتی) که می‌توانست به تحمیل هزینه‌های بالاتر به تولیدکنندگان منجر شود، مختل شده است و به دنبال آن، بازدهی سهام این بنگاه‌ها از نوسانات نرخ ارز تاثیر نپذیرد. از سویی دیگر سیاست‌های ارزی بانک مرکزی در خصوص نحوه بازگرداندن ارز حاصل از صادرات و ایجاد پیمان‌سپاری ارزی (ایجاد تعهد ارزی صادرات) به شرکت‌های صادرات‌محور، منجر به عدم امکان تسعیر ارزی با نرخ‌های بازار آزاد و تحصیل درآمد ارزی برای این شرکت‌ها شده است. این خود به منزله‌ی قطع یا تضعیف تاثیر نرخ ارز و نوسانات آن بر بازده سهام آنهاست. این درحالی است که در تمامی ۶ مدل تخمین شده، نوسانات نرخ ارز، تاثیر معنی‌دار و منفی بر بازدهی بازار سرمایه ایران داشته است که نوسانات نرخ ارز، از مسیر ریسک نرخ ارز به پیش‌بینی پذیری کل بازار و در نتیجه بازدهی شاخص کل آسیب زده است.

توصیه‌های سیاستی

نتایج نشان می‌دهد ابزارهای سیاست کنترل ارز بانک مرکزی (پیمان‌سپاری ارزی و تخصیص ارز با نرخ ترجیحی) در کوتاه‌مدت به کنترل شوک‌ها و نوسانات ارزی و عدم انتقال آثار آن به بازار سرمایه و بازدهی سهام شرکت‌ها منجر می‌شود. اما جای این سوال باقی ماند که نوع مدیریت بازار ارز که طریق ابزارهای قیمتی (نرخ ارز ترجیحی) و سهمیه‌بندی ارز که در گروه‌های صناعی که کالاها و خدمات آنها مشمول قیمت‌گذاری است (هر سه گروه شرکت‌های مورد بررسی)، تا چه زمانی این موضوع ادامه دارد و نوسانات نرخ ارز بر بازدهی سهام آنها موثر واقع نمی‌شود.

با توجه به نتایج پژوهش، به سهامداران و اعتباردهندگان پیشنهاد می‌شود که به منظور اخذ تصمیمات صحیح و اصولی سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها و اعطای اعتبار به نوسانات نرخ ارز به عنوان عامل مؤثر بر قیمت سهام توجه داشته باشند. در صورتی که نوسانات نرخ ارز به عنوان عامل مؤثر بر قیمت سهام در جهت مناسب هدایت گردد، زمینه‌ی مساعدتر برای تجارت و سرمایه‌گذاری فراهم می‌گردد؛ زیرا تغییر نرخ ارز از کلنال واردات، هزینه کالاهای واسطه‌ای را تحت تأثیر قرار خواهد داد، در نتیجه، قیمت سهام شرکت‌ها تغییر پیدا می‌نماید. برای مثال، با کاهش ارزش پول ملی، قیمت واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای افزایش پیدا کرده و واردات آنها کاهش می‌یابد. در نتیجه، بازدهی سهام به خاطر کاهش افزایش هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری، تنزل می‌یابد.

XXXXXXXXXXXXXXXX



بررسی نقش تسهیلات بانکی در رشد ارزش افزوده‌ی کشاورزی ایران

Examining the Role of Banking Facilities in the Growth of Value Added in Iranian Agriculture

نوع انتشار: محدود

مجری: کوهسار خالیدی

همکاران: سید محمد فهیمی فرد، اسماعیل سعیدنیا

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط موسسه: گروه پژوهشی مدیریت کلان بخش کشاورزی، گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا

شناسه یکتای سامانه سمع: RP-02-4-1-2028

کد فروست: IRP-1404-9

قیمت: ۴۶۷۰۰۰۰ ریال

میزان رشد اقتصادی، معیاری برای ارزیابی موفقیت برنامه‌های اقتصادی دولت‌هاست. در تئوری‌های مرتبط با رشد اقتصادی و روش‌های محاسبه‌ی ارزش افزوده، چهار عامل نیروی کار، سرمایه، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌وری سرمایه مورد توجه قرار می‌گیرند. همراه با افزایش تولید بخش کشاورزی در ۶ دهه‌ی گذشته (نسبت ارزش افزوده‌ی سال ۱۴۰۱ به سال ۱۳۴۰ $100 = 1390$): ۶/۶ برابر)، چالش‌های نوظهوری نظیر کاهش سطح سفره‌های آبی، فرونشست دشت‌ها، تضعیف خاک‌های کشاورزی، از بین رفتن محیط زیست و... بروز کرده‌اند که مقابله با آن‌ها تقریباً غیر ممکن می‌باشد. به نظر می‌رسد که در ۱۲ برنامه‌ی توسعه و عمرانی کشور، نه واکنشی مناسب به عدم توفیقات برنامه‌(های) گذشته و علل بنیادین آن وجود داشته‌است و نه طراحی هوشمندانه‌ای نیز برای بهره‌مندی صحیح و پایدار از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی موجود به عمل آمده‌است. نتیجه‌ی نهایی و کنونی، این شده‌است که رشد ارزش افزوده‌ی پایدار بخش کشاورزی ایران به مخاطره افتاده‌است. در این میان، نباید تامین مالی نامناسب، ناکافی و غیر هدفمند در شکل‌گیری برخی از مشکلات و چالش‌های موجود و فراروی بخش کشاورزی را نادیده گرفت. انجام مطالعات لازم برای بررسی چگونگی اثرگذاری تسهیلات بانکی بر شاخص‌ها و متغیرهای کلان بخش کشاورزی، نخستین گام برای سیاست‌گذاری با محوریت تامین مالی و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است. مطالعه‌ی حاضر، در همین راستا به نگارش درآمده‌است.

الف) خلاصه یافته‌ها

- ۱) اگرچه تا سال ۱۳۸۸، نرخ سود (مورد انتظار) برای تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی، کمتر از سایر فعالیت‌های اقتصادی بوده‌است، لیکن میزان آن از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۴، همانند سایر فعالیت‌ها شده‌است. از سال ۱۳۹۵ به بعد، نرخ سود تسهیلات پرداختی به فعالیت‌های کشاورزی به دو صورت ۱۸ درصد (همانند سایر فعالیت‌های اقتصادی) و ۱۵ درصد بوده‌است.
- ۲) سهم تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی ایران (زیربخش‌های زراعت و باغداری، دام و طیور و شیلات و آبزیان) از حدود ۷۰ درصد در سال ۱۳۸۰ به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش پیدا کرده‌است (متوسط سهم سالانه: ۵۸)

درصد). این در حالی است که سهم صنایع و خدمات وابسته به کشاورزی از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۰ به حدود ۴۹ درصد در سال ۱۴۰۰ افزایش پیدا کرده است. این آمار آشکارا نشان می‌دهد که بخش زیادی از تسهیلاتی که به نام «تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی» منتشر می‌شود، مستقیماً به بخش کشاورزی (زیربخش‌های کشاورزی)، تعلق نمی‌گیرد. کاهش سهم تسهیلات پرداختی این بانک به بخش کشاورزی در فاصله‌ی ۲۰ سال (۱۳۸۰-۱۴۰۰)، موضوع مهم و قابل توجهی است که باید دلایل آن، مورد بررسی و کنکاش جدی قرار بگیرد.

۳) بانک کشاورزی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۰-۱۴۰۱ در مجموع ۶۳۱۵ هزار میلیارد ریال تحت عنوان «تسهیلات بخش کشاورزی»^۱ به این بخش پرداخت نموده است که سالانه حدود ۲۹ درصد آن از نوع سرمایه‌ای و باقیمانده (۷۱ درصد) نیز از نوع جاری (سرمایه‌ی در گردش) بوده است.

۴) بر اساس آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ی، در سال‌های ۱۳۸۰-۱۴۰۰، عملاً کمتر از ۶۰ درصد تسهیلاتی که به نام تسهیلات بخش کشاورزی، محاسبه و منتشر شده است، بر طبق تقسیم‌بندی SNA به زیربخش‌های کشاورزی تعلق گرفته است. یعنی بیش از ۴۰ درصد این تسهیلات به نام بخش کشاورزی، لیکن به بخش‌های صنعت و خدمات پرداخت گردیده است. این موضوع، باعث شده است که گزارش عملکرد تحقق اهداف کمی بخش کشاورزی در زمینه‌ی اعتبارات بانکی در برنامه‌های کوتاهمدت و میانمدت (سهم بخش کشاورزی از تسهیلات بانکی، رشد تسهیلات بانکی پرداختی به بخش کشاورزی و...) دچار خطای بیش‌شماری گردد و ارائه و انتشار آمارهای مربوط به تسهیلات بخش کشاورزی ایران (پرداخت شده توسط بانک کشاورزی) با نوعی «بیش‌شماری» همراه باشد.

۵) مقدار تسهیلات جاری (سرمایه در گردش) و سرمایه‌ای سالانه‌ی پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی ایران در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۶۰ به ترتیب بیش از ۲۵ هزار برابر و حدود ۴ هزار برابر شده است. بر اساس «قیمت‌های جاری» در سال‌های ۱۳۶۰-۱۴۰۱، به طور متوسط سهم تسهیلات سرمایه‌ای از کل تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی ایران، حدود ۲۹ درصد و نرخ رشد دوره‌ای آن حدود ۲۲ درصد بوده است. نرخ‌های رشد مثبت و منفی بالا و پایین تسهیلات جاری و سرمایه‌ای در بخش کشاورزی به خوبی حاکی از فقدان یک برنامه و سیاست پایدار توسط بانک کشاورزی (و به طور کلی برنامه‌ریزان بخش کشاورزی) برای تامین مالی بخش کشاورزی و پاسخ‌گویی به تقاضا برای تسهیلات جاری و سرمایه‌ای در سال‌های ۱۳۶۰-۱۴۰۱ می‌باشد.

۶) بخش خاصی از افزایش میزان تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی در دو دهه‌ی ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰، منجر به افزایش قدرت خرید متقاضیان و در نتیجه خرید نهاده‌های مصرفی و سرمایه‌ای بیشتر، نشده و بلکه صرفاً به خنثی کردن اثر افزایش قیمت این نهاده‌ها تخصیص پیدا کرده است. چراکه بر اساس «قیمت‌های ثابت» سال ۱۳۹۰ (۱۰۰=۱۳۹۰) در سال‌های ۱۳۶۰-۱۴۰۱، به طور متوسط سهم تسهیلات سرمایه‌ای از کل تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی ایران،

^۱ در میان آمارهای تسهیلات بانکی مربوط به ۱۳۶۰-۱۴۰۱ که از بانک کشاورزی اخذ شده‌اند، آمار تسهیلات پرداخت شده به قالیبافی و صنایع دستی، صنایع و خدمات وابسته به کشاورزی و سایر نیز وجود دارد. به همین خاطر نمی‌توان همه‌ی این تسهیلات را «تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی» قلمداد کرد.

حدود ۳۲ درصد و نرخ رشد دوره‌ای آن، منفی و حدود ۰/۴- درصد بوده است. با توجه به نرخ رشد دوره‌ای مثبت تسهیلات جاری (۴/۱ درصد)، تغییر رویکرد پرداخت تسهیلات توسط بانک کشاورزی از تسهیلات سرمایه‌ای به سمت تسهیلات جاری، به صورت شفاف‌تری آشکار می‌شود.

(۷) در چهار دهه‌ی گذشته، میانگین سهم رشد ارزش افزوده‌ی گروه خدمات (۱/۵ درصد) در رشد کلان اقتصاد (۳/۲ درصد)، بیشتر از گروه صنایع و معادن (۱/۳ درصد) و گروه کشاورزی (۰/۲ درصد) و بوده است. این موضوع، حاکی از سهم پایین رشد ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی در رشد تولید ناخالص داخلی ایران در بلندمدت می‌باشد.

(۸) متوسط رشد سالانه‌ی سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، ساختمان و کل کشاورزی در دوره‌ی ۱۴۰۱-۱۳۶۰ به ترتیب ۳/۷ درصد، ۱/۳ درصد و ۲/۱ درصد بوده است. افزایش سهم ماشین‌آلات کشاورزی در کل سرمایه‌گذاری کشاورزی از ۲۳ درصد در سال ۱۳۶۰ به ۴۵ درصد در سال ۱۴۰۱ از نکات قابل توجهی است که تا حدودی، بیانگر افزایش (دو برابر شدن) نقش سرمایه در تولید محصولات کشاورزی در طی ۴۰ سال گذشته می‌باشد.^۱

(۹) بخش اعظم از موجودی سرمایه‌ی خالص کشاورزی در ایران مربوط به ساختمان‌ها و تاسیسات مرتبط با تولید در این بخش می‌باشد (۷۸ درصد در سال ۱۴۰۱). با وجود بالا بودن رشد دوره‌ی موجودی سرمایه‌ی خالص ماشین‌آلات کشاورزی (۴/۶ درصد) نسبت به ساختمان (۳/۱ درصد) در دوره‌ی مورد بررسی، لیکن بیشترین سال‌هایی که رشد منفی در موجودی سرمایه‌ی خالص کشاورزی اتفاق افتاده است، مربوط به ماشین‌آلات کشاورزی بوده است (سال‌های ۶۷-۱۳۶۰، ۱۳۶۹، ۱۳۹۴ و ۹۸-۱۳۹۶).

(۱۰) اشتغال کشاورزی علاوه بر سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳، در سال‌های پایانی دوره (۱۴۰۱-۱۳۹۹) نیز دارای نرخ رشد منفی بوده است. به نظر می‌رسد که دو عامل برونزا یعنی کووید-۱۹ و تغییرات اقلیمی در کاهش اشتغال کشاورزی در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۹ موثر بوده‌اند.

(۱۱) روند مقادیر شاخص بهره‌وری نیروی کار و شاخص بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۶۰ نشان می‌دهد که متناسب با تغییراتی که در میزان ارزش افزوده‌ی کشاورزی ایران روی داده است، مقادیر شاخص بهره‌وری سرمایه و نیروی کار کشاورزی نیز دچار نوسان گردیده‌اند. در دوره‌ی مورد بررسی، رشد دوره‌ای سالانه‌ی شاخص بهره‌وری نیروی کار کشاورزی (۳/۷ درصد)، بیشتر از رشد شاخص بهره‌وری سرمایه‌ی کشاورزی (۰/۴ درصد) بوده است.

(۱۲) علیرغم تورم ممتد و عمدتاً بالا در اقتصاد ایران، لیکن رشد دستمزد کارگران کشاورزی، فاقد یک روند فزاینده‌ی پایداری بوده است. با وجود نرخ رشد مثبت و مداوم دستمزد اسمی کارگران کشاورزی، دستمزد واقعی آن‌ها در سال‌های زیادی از دوره‌ی مورد بررسی، دارای رشد منفی بوده است.

^۱. البته به هنگام تحلیل موضوع، نباید از پایین بودن عمر مفید ماشین‌آلات کشاورزی (۱۷ سال) نسبت به ساختمان‌های کشاورزی (۶۰ سال) غافل بود (Central Bank of the Islamic Republic of Iran, b-2022).

۱۳) با مشاهده روند نرخ سود (مورد انتظار) تسهیلات پرداخت شده به بخش کشاورزی ایران و متوسط سالانه‌ی آن (۱۲/۷ درصد) در سال‌های مورد بررسی، این موضوع که بخش کشاورزی ایران از منظر نرخ بهره‌ی تسهیلات پرداختی به آن، مورد حمایت بالا قرار گرفته است، دچار تشکیک جدی خواهد شد.

۱۴) بررسی متوسط بارندگی سالانه‌ی کشور در چهار دهه‌ی گذشته (۱۴۰۱-۱۳۶۰)، از یک سو، بیانگر وجود یک روند کاهنده در میزان بارندگی سالانه است و از دیگر سو، نشان می‌دهد که در دهه‌ی پایانی دوره‌ی مورد مطالعه (یعنی سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۰)، میانگین بارندگی سالانه (۱۹۷ میلیمتر)، تفاوت محسوسی با میانگین بارندگی سالانه‌ی کل دوره (۲۲۰ میلیمتر)، دهه‌ی ۱۳۶۰ (۲۲۹ میلیمتر) و دهه‌ی ۱۳۷۰ (۲۳۷ میلیمتر) داشته است.

۱۵) نتایج حاصل از برآورد سیستم معادلات بر اساس روش 3SLS نشان داد که کشش ارزش افزوده‌ی کشاورزی نسبت به «تسهیلات جاری» و «تسهیلات سرمایه‌ای» بانک کشاورزی از کانال سرمایه‌گذاری کشاورزی در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۶۰ به ترتیب برابر ۰/۴۶۱۹ درصد و ۰/۱۷۷۶ درصد می‌باشد. یعنی در صورت تداوم شرایط گذشته، با افزایش هر یک درصد در میزان تسهیلات جاری و سرمایه‌ای پرداخت شده به بخش کشاورزی بر اساس قیمت‌های سال پایه‌ی ثابت (۱۰۰=۱۳۹۰)، به ترتیب حدود ۰/۵ درصد و ۰/۲ درصد به مقدار ارزش افزوده‌ی کشاورزی افزوده خواهد شد. مقادیر کشش‌های برآورده شده‌ی ارزش افزوده‌ی کشاورزی نسبت به تسهیلات بانکی، حاکی از اثرگذاری بیشتر تسهیلات جاری در قیاس تسهیلات سرمایه‌ای بر رشد ارزش افزوده‌ی کشاورزی ایران در دوره‌ی مورد بررسی بوده است.

۱۶) بر اساس آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ا، سهم سالانه‌ی کل تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی (جاری و سرمایه‌ای) به بخش کشاورزی ایران (زیربخش‌های زراعت و باغداری، دام و طیور و شیلات و آبزیان) در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۸۰، حدود ۵۸ درصد بوده است (کاهش از حدود ۷۰ درصد در سال ۱۳۸۰ به حدود ۴۱ درصد در سال ۱۴۰۰). اگر این سهم را برای هر دو نوع تسهیلات جاری و سرمایه‌ای پرداخت شده به بخش کشاورزی ایران به کل دوره‌ی مورد مطالعه (۱۴۰۱-۱۳۶۰) تعمیم بدهیم، نتیجه می‌گیریم که حدود ۴۲ درصد از تسهیلاتی که ما در مطالعه‌ی حاضر به عنوان پرداختی تسهیلات جاری (CRI) و یا پرداختی تسهیلات سرمایه‌ای (CRS) به بخش کشاورزی در نظر گرفته‌ایم، تاثیر مستقیمی بر شاخص‌های کلان این بخش (در این‌جا سرمایه‌گذاری و اشتغال نیروی کار) نداشته است.

۱۷) فقدان حاکمیت یک رویکرد جامع در دو سوی عرضه و تقاضای منابع مالی برای تامین مالی در بخش کشاورزی، اثرگذاری عوامل برونزا (نظیر تحریم‌های اقتصادی و خشکسالی)، فقدان سازمان سرمایه‌گذاری کشاورزی در ساختار مدیریتی وزارت جهاد کشاورزی (برای برنامه‌ریزی و هدایت تسهیلات بانکی)، رابطه‌ی مبادله‌ی نابرابری کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی و سودآوری نسبی پایین فعالیت‌های کشاورزی در شرایط تورمی کشور را می‌توان مهمترین عوامل موثر در عدم تحقق اهداف تامین مالی در بخش کشاورزی کشور در چند دهه‌ی گذشته قلمداد کرد.

ب) توصیه‌های سیاستی

۱) به منظور تحلیل اثرگذاری تسهیلات پرداختی بانک کشاورزی به بخش کشاورزی ضرورت دارد که آمار تسهیلات پرداختی این بانک به بخش کشاورزی بر اساس طبقه‌بندی سیستم حساب‌های ملی (SNA) به صورت جاری و سرمایه‌ای و به تفکیک زیربخش‌های کشاورزی، تولید و منتشر گردد.

۲) نظر به این که در بسیاری از مواقع، تامین تمامی منابع مالی مورد نیاز برای تولید محصولات کشاورزی از سوی کشاورزان در دوره‌های زمانی مختلف (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت)، میسر نمی‌باشد و تکیه بر منابع مالی خارج از واحد کشاورزی، گریزناپذیر است، بنابراین ضرورت دارد که در برنامه‌ها و سیاست‌های رشد ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی به طور همزمان و متناسب، تامین و پرداخت ارزان و به‌هنگام تسهیلات جاری و سرمایه‌ای به این بخش مورد توجه جدی برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار گیرد.

۳) یکی از الزامات مقابله با چالش‌ها و مشکلات موجود و فراروی بخش کشاورزی، تامین منابع مالی مورد نیاز (تسهیلات سرمایه‌ای و تسهیلات جاری) به صورت ویژه (از دو منظر نرخ بهره و میزان تسهیلات) است. به همین خاطر، ضرورت دارد که برای حداقل یک دهه، برنامه‌ی «جهش تامین مالی بخش کشاورزی» تدوین و اجرایی گردد.

۴) به منظور تحقق جهش تامین مالی در بخش کشاورزی کشورمان، لازم است که در قالب برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت و از طریق مطالعات جامع، «میزان تسهیلات مطلوب سالانه برای جهش تامین مالی» در این بخش تعیین گردد.^۱ تا زمان انجام چنین مطالعاتی، عالی‌الحساب می‌توان مقدار «تسهیلات مطلوب» بخش کشاورزی را در سال‌های برنامه‌ی هفتم توسعه بر اساس سه معیار زیر، تعریف و سیاست‌های توزیع تسهیلات بانکی کشور را در راستای این سه معیار عملیاتی ساخت:

- تسهیلات بانکی متناسب بخش کشاورزی (معادل سهم ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی).
- تسهیلات بانکی مورد نیاز بخش کشاورزی (دو برابر معادل سهم ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی).
- سهم تسهیلات بخش کشاورزی مندرج در قوانین برنامه‌های توسعه‌ی کشور

۵) با توجه به اثرگذاری عوامل متعدد در عدم تحقق اهداف تامین مالی در بخش کشاورزی کشور در چند دهه‌ی گذشته، پیشنهاد می‌شود:

- «رویکرد تامین و عرضه‌ی صرف منابع مالی» در بخش کشاورزی به «رویکرد جامع بازار منابع مالی» (عرضه و تقاضا) در این بخش تغییر یافته و موانع فراروی هر دو سمت این بازار مرتفع گردند.
- ایجاد «سازمان سرمایه‌گذاری کشاورزی» در ساختار وزارت جهاد کشاورزی به منظور سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و هدایت منابع مالی دولتی و غیر دولتی در بخش کشاورزی.

^۱ در این جا صرفاً بر توزیع تسهیلات منابع رسمی (سیستم بانکی و...) و تخصیص آن‌ها به بخش کشاورزی تمرکز شده است. چون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت / حاکمیت برای مدیریت منابع غیر رسمی تامین مالی، با اما و اگرهای زیادی مواجه است، بحث توزیع تسهیلات مربوط به منابع غیر رسمی، کنار گذاشته شده است؛ اگرچه ممکن است که سهم بالایی در تامین مالی بخش کشاورزی داشته باشد. سیاست مناسب در این زمینه در مناطق شهری و روستایی باید تقلیل منابع غیر رسمی و تبدیل آن‌ها به منابع رسمی تامین مالی باشد.



- چابک سازی و جهت بخشی به ماموریت شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی به سمت افزایش سهم پرداخت تسهیلات سرمایه گذاری در قیاس با تسهیلات تامین مالی در گردش با هدف توسعه زیرساخت های بخش از طریق بهره مندی صندوق از درآمد حاصل از فروش نفت و افزایش سهم آورده ی دولت.
- استفاده حداکثری از ظرفیت صندوق توسعه ی ملی برای جلب و جذب منابع مالی در بخش کشاورزی.
- تفکیک میزان و سهم تسهیلات تخصیصی بخش کشاورزی در قالب تسهیلات سرمایه ای و جاری (سرمایه ی در گردش) به منظور رصد میزان تحقق اهداف مرتبط با تسهیلات مزبور.

XXXXXXXXXXXXXXXX



بررسی و تعیین رابطه نرخ ارز و تورم با تاکید بر قیمت کالاها و محصولات ذرت دامی، کنجاله سویا، جو و شکر

Investigation and Determination of the Relationship Between Exchange Rate and Inflation with Emphasis on the Prices of Goods and Products such as Corn, Soybean Meal, Barley and Sugar

نوع انتشار: محدود

مجری: احسان رجبی

همکارها: علی اکبر باغستانی، ابراهیم جاودان

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا

شناسه یکتای سامانه سمع: RP-98-0-2- (3)-1546

کد فروست: ERP-1404-8

قیمت: ۱۴۲۰۰۰۰ ریال

مسئله تنظیم نرخ ارز یکی از مسائل اساسی و پیچیده در کشورهای در حال توسعه است. همزمان با برقراری دوباره تحریم‌های ایالات متحده از یک سو، وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام از سوی دیگر و فشار تقاضا برای ارز و محدودیت منابع فیزیکی سبب شد تا سیاست‌گذاران تصمیم بگیرند تا با سیاست‌چندنرخ ساختن ارز، تخصیص ارز را مدیریت و به نوعی اثر منفی انتظارات و نگرانی نسبت به آینده را کاهش دهند. اگر نرخ ارز، همگام و هماهنگ با تحولات و تغییرات اقتصادی تعدیل نشود، موجب انحراف نرخ واقعی ارز و تنظیم نامناسب آن شده و نشان می‌دهد که جهت‌گیری سیاست‌های کلان داخلی و خارجی اقتصاد ایران، نادرست است. در چنین شرایطی با فرض ثابت بودن سایر شرایط، کالاها و خدمات وارداتی به طور مستقیم با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. در صورتی که با اعمال سیاست‌های اقتصادی یا هر دلیل دیگری، نرخ ارز در کشور افزایش یابد، کالاها و خدمات در بخش‌های تولیدی اقتصاد، نیز بسته به میزان وابستگی خود به نهاده‌ها یا کالاهای واسطه‌ای وارداتی و اثرپذیری از انتظارات منفی، رشد قیمت نهایی خواهند داشت. در صورتی که با اعمال سیاست‌های اقتصادی یا هر دلیل دیگری، نرخ ارز در کشور افزایش یابد، به دلیل اینکه حجم وسیعی از واردات، شامل کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای و مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات است، قیمت کالاها و خدمات در سطح عمده‌فروشی و خرده‌فروشی متاثر شده و موجب افزایش قیمت کالاهای مصرفی وارداتی و افزایش تمام شده تولیدات داخلی خواهد شد (Esazadeh Rohan, 2015).

دولت در چنین شرایطی، تلاش می‌کند تا با چندنرخ کردن ارز، منابع ارزی را که به سبب تشدید تحریم‌ها در حال کاهش بوده است، را مدیریت نماید. از اردیبهشت ۱۳۹۷، برخی نهاده‌ها و کالاهای اساسی با نرخ ارز موسوم به ترجیحی ۴۲۰۰۰ ریالی و برخی دیگر با فرآیند موسوم به نیمایی، تامین و بخشی دیگر از تقاضای ارز به سمت بازار غیررسمی آن هدایت می‌شود. برخی اقدامات دستوری و نظارت‌ها برای جلوگیری از تشدید تورم و افزایش قیمت کالاها و نهاده‌های اساسی، با تاکید بر غذا و دارو، به جریان افتاده است (Government of IR of Iran, 2016).

بخش کشاورزی به سبب نقش ذاتی خود در تامین امنیت غذایی و به عنوان یکی از بخش‌های مولد اقتصاد، از نظر دریافت ارزش ترجیحی و به منظور کنترل قیمت غذا، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در ابتدا کالاهای اساسی شامل برنج، روغن خوراکی، گوشت قرمز، چای، حبوبات، شکر، کره و نهاده‌های کشاورزی، ادوات و ماشین‌های کشاورزی، بذر، دارو و مکمل‌های دام و طیور، کود و سم، کنجاله سویا، جو و ذرت دامی، از ارزش ترجیحی برخوردار شده‌اند. برخورداری از ارزش بانکی یا ارزش ترجیحی سبب شده تا قیمت این کالاها در بازار، چندبرابر شود (Zobeiri, 2016). از سوی دیگر تخصیص ۹۰۳ میلیارد دلار به واردات نهاده‌ها و کالاهای اساسی در سال ۱۳۹۸ (مطابق جدول ۱) به قیمت پایین‌تر از قیمت بازار غیررسمی ارزش می‌شود، تا رصد تاثیر ارزش ترجیحی بر قیمت کالاهای برخوردار اهمیت بیشتری پیدا نماید. در چنین شرایطی باید مشخص شود که آیا تخصیص ارزش با نرخ ترجیحی (۴۲۰۰۰ ریالی) به کالا و نهاده‌های منتخب شامل کنجاله سویا، جو، ذرت دامی و شکر توانسته است، به قیمت نهایی این کالا و نهاده‌ها منتقل شود. به عبارت دیگر اثر نرخ ارزش رسمی بر قیمت نهایی کالاها و نهاده‌های منتخب چه میزان و آیا اثر متقارن بر قیمت دارد و اینکه الگوی ارتباطی و رفتاری متغیرها خطی است یا غیرخطی. برای پاسخ به این سوال اساسی از داده‌های سری زمانی با تواتر ماهانه قیمت کالاهای منتخب در داخل، نرخ ارزش رسمی و قیمت جهانی کالاها طی دوره فروردین ۱۳۸۸ تا آذر ۱۳۹۸، الگوی غیرخطی تغییر رژیم مارکوف با تصریح^۱ MSIAH، استفاده شده است.

بررسی نتایج مطالعات اخیر حاکی از آن است که در اغلب مطالعات، عبور نرخ ارزش به قیمت‌های داخلی (هرچند عبور ناقص) تأیید شده است. علاوه بر این، روش‌های غیرخطی به دلیل توانایی در شناسایی رژیم‌های متفاوت برای تحلیل رفتار متغیرها در الگو و برآورد مقدار عبور متمایز برای دوره‌های مختلف بر الگوهای خطی برتری دارند.

خلاصه یافته‌ها:

۱. طی دوره زمانی ۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۸۸:۰۱، متوسط قیمت ذرت برابر ۸۵۱۲ ریال به ازای هر کیلوگرم و حداکثر و حداقل قیمت این نهاده، به ترتیب برابر ۱۸۴۶۴ و ۲۷۴۶ ریال به ازای هر کیلوگرم بوده است. متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه این نهاده برابر ۱/۵ درصد بوده است. این در حالی است که، طی دوره اجرای سیاست ارزش ترجیحی (۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۹۷:۰۲)، متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه برابر ۲/۳ درصد بوده است. متوسط نرخ رشد قیمت ذرت دامی وارداتی قبل از اجرای سیاست ارزش ترجیحی برابر با ۱/۴ درصد بوده است.
۲. طی دوره زمانی ۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۸۸:۰۱، متوسط قیمت کنجاله سویا برابر ۱۷۶۳۲ ریال به ازای هر کیلوگرم و حداکثر و حداقل قیمت این نهاده، به ترتیب برابر ۴۰۴۱۹ و ۵۱۳۸ ریال به ازای هر کیلوگرم بوده است. متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه این نهاده برابر ۱/۸ درصد بوده است. این در حالی است که، طی دوره اجرای سیاست ارزش ترجیحی (۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۹۷:۰۲)، متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه برابر ۱/۳ درصد تجربه شده است. متوسط نرخ رشد قیمت کنجاله سویا وارداتی قبل از اجرای سیاست ارزش ترجیحی برابر با ۱/۵ درصد بوده است.

^۱. Markov-Switching Intercept Autoregressive Heteroscedasticity

۳. طی دوره زمانی ۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۸۸:۰۱، متوسط قیمت جو برابر ۹۹۲۶ ریال به ازای هر کیلوگرم و حداکثر و حداقل قیمت این نهاد، به ترتیب برابر ۲۱۴۷۹ و ۳۴۹۸ ریال به ازای هر کیلوگرم بوده است. متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه این نهاد برابر ۱/۸ درصد بوده است. این در حالی است که، طی دوره اجرای سیاست ارز ترجیحی (۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۹۷:۰۲)، متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه برابر ۲/۸ درصد بوده است. این در حالی است متوسط نرخ رشد قیمت جو وارداتی قبل از اجرای سیاست ارز ترجیحی برابر با ۱/۶ درصد بوده است.
۴. طی دوره زمانی ۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۹۰:۰۱، متوسط قیمت شکر برابر ۲۹۰۳۳ ریال به ازای هر بسته ۹۰۰ گرمی و حداکثر و حداقل قیمت این کالا، به ترتیب برابر ۶۸۱۴۷ و ۱۲۷۶۷ ریال به ازای هر بسته ۹۰۰ گرمی بوده است. متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه این کالا برابر ۱/۵ درصد بوده است. این در حالی است که، طی دوره اجرای سیاست ارز ترجیحی (۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۹۷:۰۲)، متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه برابر ۲/۷ درصد بوده است و لذا عبور نرخ ارز ناقص بوده است. این در حالی است متوسط نرخ رشد قیمت شکر قبل از اجرای سیاست ارز ترجیحی برابر با ۱/۲ درصد بوده است.
۵. بررسی روند نرخ ارز رسمی طی دوره زمانی ۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۸۸:۰۱، نشان می‌دهد که متوسط نرخ ارز رسمی برابر ۲۷۵۶۴ ریال به ازای هر دلار ایالات متحده بوده و حداکثر و حداقل نرخ ارز، به ترتیب برابر ۴۲۹۷۳ و ۱۰۴۹۱ ریال به ازای هر دلار ایالات متحده بوده است. متوسط نرخ رشد قیمت ماهانه نرخ ارز در این دوره، برابر ۱/۵ درصد بوده است.
۶. بررسی آزمون خطی بودن نشان می‌دهد که متغیرهای مدل دارای ارتباط و رفتار غیرخطی بوده و بنابراین بکارگیری الگوی غیرخطی مارکوف سوئیچینگ، مناسب است.
۷. نتایج آزمون علیت نشان می‌دهد که تنها تغییر نرخ ارز سبب تغییر قیمت نهاده‌های ذرت، کنجاله سویا و جو می‌شود و وجود این ارتباط برای شکر تأیید نشده است.
۸. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عبور نرخ ارز رسمی (ترجیحی) برای تمامی کالاها و نهاده‌های منتخب در رژیم‌های مختلف، نامتقارن و در برخی از رژیم‌ها میزان این عبور صفر بوده است. همچنین در هیچ یک از رژیم‌ها، عبور کامل روی نداده و رژیم‌های شناسایی شده برای نهاده‌ها و کالای منتخب، پایدار بوده است.
۹. یافته‌های بکارگیری رهیافت MSIAH در مدل مارکف سوئیچینگ نشان داده است که برای نهاده‌های ذرت و جو، عبور نرخ ارز در سه رژیم و برای کنجاله سویا و شکر این عبور در دو رژیم روی داده است.
۱۰. برای نهاده ذرت، کنجاله سویا، جو و شکر به ترتیب، از میان سه، دو، سه و دو رژیم شناسایی شده، میزان عبور به ترتیب در رژیم سوم، اول، دوم و سوم، سوم معنی‌دار نبوده است.
۱۱. در طی ۱۹ ماه دوره اجرای سیاست ارز ترجیحی (۱۳۹۸:۰۹ - ۱۳۹۷:۰۲)، اثر عبور نرخ ارز به قیمت نهاده ذرت، تنها در سه ماه، نهاده کنجاله سویا هشت ماه، نهاده جو سه ماه و شکر هفت ماه معنی‌دار بوده است. همچنین عبور نرخ ارز به قیمت نهاده ذرت، کنجاله سویا، جو و شکر به ترتیب در ۱۶، ۱۱، ۱۶ و ۱۲ ماه از دوره زمانی اجرای سیاست مذکور، منتقل نشده است.

۱۲. در کوتاه‌مدت، میزان عبور نرخ ارز به قیمت ذرت (اثر عبور نرخ ارز به قیمت) در رژیم‌های صفر و یک معنی‌دار و به ترتیب برابر ۱۲ و ۲۰ درصد بوده است. در بلندمدت میزان عبور به ترتیب در رژیم‌های مذکور برابر ۲۰ و ۱۶ درصد بوده است. این بدین معنا است که در کوتاه مدت و رژیم صفر و یک، به ازای ۱۰۰ درصد افزایش در نرخ ارز، به ترتیب ۱۲ و ۲۰ درصد قیمت ذرت دامی افزایش پیدا می‌کند.

۱۳. در کوتاه‌مدت، میزان عبور نرخ ارز به قیمت کنجاله سویا در رژیم دو معنی‌دار و برابر ۱۹ درصد بوده است. در بلندمدت نیز میزان عبور در رژیم دوم، برابر ۲۲ درصد بوده است. این بدین معنا است که در کوتاه مدت و بلندمدت و رژیم دو، به ازای ۱۰۰ درصد افزایش در نرخ ارز، به ترتیب ۱۹ و ۲۲ درصد قیمت ذرت کنجاله سویا افزایش پیدا می‌کند.

۱۴. در کوتاه‌مدت، عبور نرخ ارز به قیمت جو در رژیم اول معنی‌دار و برابر ۲ درصد بوده است. به عبارت دیگر قیمت این نهاد کمترین میزان عبور کوتاه‌مدت نرخ ارز را داشته است. در بلندمدت نیز میزان عبور در این رژیم، برابر هشت درصد بوده است. این بدین معنا است که در کوتاه مدت و بلندمدت و رژیم اول، به ازای ۱۰۰ درصد افزایش در نرخ ارز، به ترتیب ۲ و ۸ درصد قیمت جو دامی افزایش پیدا می‌کند.

۱۵. در کوتاه مدت، عبور نرخ ارز به قیمت شکر در رژیم دوم معنی‌دار و برابر ۵ درصد بوده است. در بلندمدت نیز میزان عبور در این رژیم، برابر شش درصد بوده است. این بدین معنا است که در کوتاه مدت و بلندمدت و رژیم دوم، به ازای ۱۰۰ درصد افزایش در نرخ ارز، به ترتیب ۲ و ۸ درصد قیمت شکر افزایش پیدا می‌کند.

پیشنهادهای راهکارها:

۱. علیرغم ثابت نگه داشتن نرخ ارز ترجیحی طی دوره زمانی ۱۳۹۸:۰۹-۱۳۹۷:۰۲، همچنان نهاده‌ها و کالاهای منتخب، افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند. بنابراین سایر عوامل موثر بر قیمت این نهاده‌ها توانسته است، اثر افزایشی خود را منتقل نماید. کمی‌سازی اثر انتظاری این متغیرها می‌تواند موضوع مطالعات آتی باشد.

۲. با توجه به این که در برخی از ماه‌های اجرای سیاست ارز ترجیحی ۱۳۹۸:۰۹-۱۳۹۷:۰۲، نرخ ارز توانسته است اثر معنی‌داری بر قیمت نهاده‌ها و کالای منتخب داشته باشد، لذا تخصیص ارز ترجیحی نتوانسته است، اثر نرخ ارز بر قیمت نهاده‌ها و کالای منتخب را مهار کند.

۳. مناسب بودن مدل غیرخطی و وجود رژیم‌های متعدد، نشانگر ارتباط غیرخطی بین نرخ ارز و قیمت‌ها نهاده‌های دامی و شکر است.

۴. با وجود این که در دوره‌ی اجرای سیاست ارز ترجیحی، قیمت‌گذاری نهاده‌های منتخب به صورت دستوری (با توجه به هزینه‌های ارزی توسط سیاست‌گذار) تعیین شده است، اما، عبور نرخ ارز در برخی از ماه‌ها، هرچند به صورت ناقص و محدود در قیمت نهاده‌های کشاورزی اتفاق افتاده است. به عبارت دیگر تغییرات نرخ ارز می‌تواند بر قیمت نهاده‌های منتخب موثر باشد.

۵. از آنجایی که میانگین رشد قیمت در زمان اجرای سیاست ارز ترجیحی، بیشتر از دوره زمانی قبل از آن است، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که سیاست‌های تنظیم بازاری متناسب و مناسب اجرا نشده است.



۶. بزرگتر بودن میزان عبور نرخ ارز به قیمت نهاده‌ی کنجاله سویا در کوتاه‌مدت و بلندمدت نشان می‌دهد که این نهاده واکنش و تاثیرپذیری بیشتری از نرخ ارز دارد.
۷. با توجه به این که طی ۱۹ ماه اجرای سیاست ارز ترجیحی، نهاده کنجاله سویا، بیشترین میزان (۱۹٪) کوتاه مدت، ۲۲٪ بلندمدت) و دوره‌ی عبور نرخ ارز (۸ ماه) را داشته است، بنابراین هنگام سیاستگذاری برای تغییر احتمالی نرخ ارز، باید توجه داشت که واکنش این نهاده به تغییر در نرخ ارز ترجیحی شدیدتر و سریع‌تر خواهد بود.
۸. با توجه به این که در میان سه نهاده‌ی مهم صنعت دام و طیور، قیمت جو، کمترین میزان و دوره‌ی عبور نرخ ارز ترجیحی را داشته است، در صورت تصمیم به حذف یا افزایش نرخ ارز ترجیحی می‌توان این نهاده را در اولویت حذف یا افزایش نرخ ارز، قرار داد.

XXXXXXXXXXXXXXXX



ارائه مدل پیش‌بینی نرخ ارز در ایران

Presenting a Model for Forecasting the Exchange Rate in Iran

نوع انتشار: محدود

مجری: فریبا عباسی

ناظر علمی: علی کیانی راد

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا

شناسه یکتای سامانه سمع: RP-02-4-1-2033

کد فروست: IRP-1404-10

قیمت: ۲۴۰۰۰۰۰ ریال

امروزه مسأله پیش‌بینی و آینده‌نگری یکی از نیازهای مبرم دولت‌ها و سیاست‌گذاران است. طراحی الگوهای پیش‌بینی، به عنوان یکی از کاراترین تکنیک‌های محاسباتی در مدیریت ریسک، زمینه کاهش خطا و برخی از عدم قطعیت‌های مرتبط با نوسانات تصادفی را در انتشار قیمت‌های لحظه‌ای از بین می‌برد. پر واضح است که به دلیل وضعیت سیاسی، شرایط اقتصاد جهانی و سایر عوامل معمولاً پیش‌بینی دقیق قیمت نرخ ارز بسیار چالش‌برانگیز و دشواری است. در طول سال‌های اخیر، محققین متعددی سعی در توصیف مناسب، مدل‌سازی و پیش‌بینی متغیرها داشته‌اند. اما، متغیرهایی که از روند غیرخطی برخوردار می‌باشند؛ پیش‌بینی آنها دشوار می‌باشد، از این رو، بسیاری از محققان، علاقه قابل توجهی به پیش‌بینی بازار و قیمت نشان داده‌اند. در واقع محققین همواره به دنبال معرفی و لیداج تکنیک‌هایی بوده‌اند که بتوانند بر این محدودیت‌ها فائق آمده و قیمت بازار را پیش‌بینی کنند. به همین دلیل، تاکنون روش‌ها و تکنیک‌های بسیاری ارائه گردیده است. این روش‌ها از شاخص‌های تحلیل تکنیکال که از ساده‌ترین تکنیک‌های سنتی مانند لاجیت، پروبیت و گشت تصادفی شروع شده و نهایتاً به تکنیک‌های پیشرفته‌تری مانند شبکه عصبی مصنوعی، رگرسیون هوشمند غیرخطی، مدل جنگل تصادفی، الگوریتم ژنتیک، ماشین بردار پشتیبان و غیره می‌رسد (Pouyanfar et al, 2015)، (Ghosh et al, 2022). به طور خاص، در گذشته برای پیش‌بینی مدل‌های سنتی متعددی معرفی شده است، اما این مدل‌ها دارای فرضیات زیادی تحت عنوان محدودیت‌ها هستند. بنابراین، رویکردهای مختلفی توسط محققان برای پیش‌بینی نرخ ارز ارائه شده است که از جمله آنها می‌توان به انواع مدل‌های داده‌کاوی شامل شبکه‌های عصبی مصنوعی هوشمند اشاره کرد (Nosratabadi et al, 2022). از آنجایی که اقتصاد ایران با سه دوره بحرانی (دوران قبل انقلاب، دوران بعد انقلاب و جنگ تحمیلی، دوران بعد از جنگ و تحریم) مواجه بوده و میزان افزایش نرخ ارز در هر یک از سه دوره یکسان نبوده است. این مطالعه با هدف ارائه مدل دقیق برای پیش‌بینی نرخ ارز در ایران انجام گرفته است. همچنین با توجه به اینکه نوسانات نرخ ارز در ایران یکی از موانع پیش‌برنده بسیاری از مبادلات و مراودات بین‌المللی است، آگاهی از تغییرات نرخ ارز می‌تواند مقامات پولی را برای طراحی یک سیاست پولی کاراً به منظور تثبیت قیمت‌ها و افزایش سطح اشتغال مهیا کند. بنابراین با توجه به تغییرات فراوان نرخ ارز در ایران طی ۴۵ سال اخیر و علاوه بر آن، وابستگی درآمدهای ارزی به صادرات

نفت خام و وابستگی بودجه‌های سنواتی به نرخ ارز، تعیین نرخ ارز و پیش‌بینی نوسانات آن ضمن کاهش ریسک نوسانات نرخ ارز به برنامه‌ریزی بهتر در بودجه‌های سنواتی، واردات مواد اولیه مورد نیاز کشور و صادرات غیرنفتی منجر می‌شود.

الف). خلاصه یافته‌ها

با توجه به هدف تحقیق و در راستای پژوهش‌های انجام شده برای پیش‌بینی نرخ ارز از ترکیب شبکه‌های عصبی مصنوعی با الگوریتم‌های فراابتکاری (ژنتیک، ازدحام ذرات، تبرید شبیه‌سازی شده، کلونی مورچگان، تکاملی تفاضلی، بهینه‌سازی فاخته، کرم شب‌تاب، جستجوی گرانشی، کلونی زنبور عسل و رقابت استعماری) استفاده شد. در این مطالعه داده‌ها به دو دسته آموزش و آزمایش (تست) تقسیم شدند. هر یک از الگوریتم‌های فراابتکاری ذکر شده برای ۲۴ ماه آینده از پارامترهای مربوط به هر الگوریتم اجرا شدند و در هر اجرا، مقدار ضرایب خطا، پس از رسیدن به ملاک توقف (تعداد تکرار مشخص) ثبت گردید. نهایتاً بهترین الگوریتم، بر اساس بیشترین همگرایی و شبیه‌سازی انتخاب شد.

نتایج نشان داد استفاده الگوریتم شبیه‌سازی ازدحام ذرات جهت پیش‌بینی نرخ ارز در بازار آزاد غیررسمی ایران نسبت به سایر الگوریتم‌های فراابتکاری دارای توانایی و دقت بیشتر در شبیه‌سازی دارد. همچنین متغیرهای قیمت نفت، قیمت سکه و تورم تاثیر زیادی در افزایش قدرت پیش‌بینی نرخ ارز دارد. رویکردهای به‌کاررفته در این مطالعه به عنوان نمایندگانی از روش‌های هوش مصنوعی نسبت به روش‌های آماری کلاسیک همچون رگرسیون ساده و لجستیک نشان داد الگوهای فراابتکاری از عملکرد، دقت و بازدهی بهتری برخوردار بوده و می‌توانند به عنوان تکنیک‌هایی پرکاربرد برای پیش‌بینی نرخ ارز به کار گرفته شوند. از آنجا که تاکنون مطالعه‌ای جهت پیش‌بینی نرخ ارز با استفاده از الگوریتم‌های فراابتکاری چه در داخل و چه در خارج از کشور بدین صورت انجام نشده است و بصورت مقایسه تک یا دو الگوریتم صورت گرفته، همچنین تنوع بکارگیری الگوریتم‌ها بیشتر از سه الگو به بالا در مطالعات وجود ندارد، نمی‌توان نتایج این تحقیق را با نتایج مطالعات قبلی که در این زمینه و صرفاً نرخ ارز انجام شده‌اند مقایسه کرد. اما برای تأیید و صحت گذاشتن بر برتری الگوریتم ازدحام ذرات نسبت به دیگر الگوریتم‌ها، از نظر سرعت و قدرت همگرایی و شبیه‌سازی و همچنین دقت بالای آن در زمینه پیش‌بینی و مقایسه با انواع روش‌های بکار گرفته شبکه عصبی مصنوعی نتایج مطالعه حاضر با نتایج تحقیقات پژوهشگرانی همچون (Mushkhians & Najafi., 2015)، (Kazemi et al., 2017)، (Rohani et al., 2019)، (sadeghi et al., 2013)، (Qasemi & Farzad., 2019)، (Kazemi et al., 2019)، (Fadaei et al., 2021)، (Bradley et al., 2020) سازگار می‌باشد.

ب). توصیه‌های سیاستی

با توجه به اینکه الگوریتم‌های فراابتکاری قادر به بهینه‌سازی فرآیندهای مختلف مانند مدیریت زمان، منابع و زمان تسهیل کردن برنامه‌ریزی روزانه هستند و با توجه به نتایج این مطالعه بکارگیری ترکیب مدل شبکه عصبی با الگوریتم‌های فراابتکاری برای پیش‌بینی سایر متغیرها نسبت به مدل‌های تکی یا خطی پیشنهاد می‌شود.



از سوی دیگر با توجه به این نکته که بخش کشاورزی جایگاه مهمی در عرصه اقتصاد، معیشت جامعه و خوداتکایی دارد و یکی از متغیرهای مهم و موثر بر تجارت بخش صنعت و به‌ویژه بخش کشاورزی که معیشت جامعه به آن مربوط می‌شود نرخ ارز است و تاثیر نوسانات نرخ ارز بر صادرات و واردات این بخش، باعث افزایش و کاهش تجارت می‌گردد، اطلاع و آگاهی قبلی از نرخ ارز و پیش بینی آن می‌تواند بر رشد بخش کشاورزی تاثیرگذار باشد. البته این نکته حائز اهمیت است که عدم کنترل بعضی از عوامل مؤثر بر نتایج تحقیق از جمله تأثیر متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، شرایط سیاسی، وضعیت اقتصاد جهانی، قوانین و مقررات و... خارج از دسترس محقق بوده و ممکن است بر بررسی روابط اثرگذار باشد. بنابراین با توجه به نتایج این مطالعه، از آنجا که نرخ ارز به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر بخش تولید و تجارت بخش کشاورزی و صنعت در رشد اقتصادی نقش است، به سیاست‌گزاران توصیه می‌گردد در راستای کاهش ریسک فضای تجاری و تولیدی، پیش بینی و آگاهی قبلی از نرخ ارز را مدنظر قرار دهند. همچنین به محققین پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آینده پیش بینی نرخ ارز در زمینه کشاورزی، بیشتر از الگوهای فراابتکاری به عنوان مدل‌های دقیق‌تر شبکه‌های هوش مصنوعی استفاده کنند.

XXXXXXXXXXXXXXXX



سند جامع خدمات رسانی به ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

Comprehensive Document on Presenting Services to the Veterans of the Ministry of Agriculture-Jahad

نوع انتشار: محدود

مجری: محسن ابراهیم پور میر

همکار: مجتبی پالوج

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی توسعه کشاورزی و روستایی

شناسه یکتای سامانه سمع: RP-04-3-2-2

کد فروست: ERP-1404-11

قیمت: ۸۹۷۰۰۰۰ ریال

در جهان متحول کنونی "امنیت ساختاری و سرزمینی" ماهیتی اجتماعی پایه و رسانه ای هم یافته است. در کشور ما ماهیت مردمی دفاع مقدس مثال اعلی است. خیزش همگانی و همنوایی عام ایرانیان که در پی تجاوز دشمن غدار صهیونی درخششی مثالی و مانا یافت ریشه در سرشت هازشمندی و روح سلحشوری یکایک هموطنان جان برکف نهاده دارد. شهید سید مرتضی آوینی در عبارت های اصیلی به وصف ایثارگرانی که راه های آسمان را بهتر از زمین آگاه هستند به شیوایی و غبطه پرداخته است. به نظر، شهید حسینعلی عظیمی و شهید آوینی الگوی نمایی رزمندگانی هستند که در عصر حاضر به هم پیوندی ایمان و جهاد در دفاع مقدس معنا و هویت بخشیدند در تحلیل مهندس عظیمی دفاع مقدس نماد تقابل آشکار ایمان و تمدن اصیل اسلامی در برابر ماسوی الله نیز هست. شهید آوینی خود در تخصصی به استادی نایل گشته بود که مولفه هایی سه گانه زیبایی (هنر)، فلسفه (معرفت) و ساختار (برازش) را داراست. تحصیل و تدریس دانشگاهی در معماری و تسلط نقادانه بر متون هرمنوتیکی وجود شناسانه، معنا گرا و هویت نگری که ریشه در اندیشه های امثال دکارت، بیکن، اسپینوزا، اولباک، هیوم، هگل، امانوئل کانت، نیچه، سارتر، هایدگر و شلایر ماخر دارند و همچنین نقد مکاتب اثباتی، کارکردی و ادبی معرف هایی از گستره شناختی و خودآگاهی در اندیشه، بیان و رفتار شهید آوینی هستند و آنان که فرهنگ دفاع مقدس را زیسته اند به نیکی تصدیق می کنند چنین انسان هایی نه در پی نام و نان و نه محتاج این و آن در دفاع مقدس درخشیدند و اسوه ممتازی از جهاد و ایثار آفریدند. حفظ و انتقال این میراث گران سنگ به نسل های بعدی پایداری و امنیت ملک و ملت را تأمین و تضمین می کند. اصالت چنین انسان هایی در همه اقشار جامعه متجلی است؛ شهید مهدیه دانشجو، مورع و بسیار نیکوکار در رویاء نحوه شهادتش را دیده بود و همانی شد که تعریف نمود. پدری بیان داشت پسر من مجروح شد و دارد می سوزد و اندازه یک قنداق آن هم سوخته شد و رزمنده جوانی با تبسمی ماندگار و شوخ طبعی شیرین خوابی که دیده بود را چنین تعبیر کرد: "تا سه روز دیگر سرم جدا می شود و کالبدم هم در آن سوی ارون می ماند". و هر دو محقق شد. ساعت حدودای سه یا چهار بامداد خردادی به طرف خط مقدم شلمچه می رفتیم و شاید در حین و بین خواب و بیداری دید و دقیقاً در همان دقیقه و آن پسرش که در جبهه

غرب حضور داشت به شدت مجروح و اکنون هم جانباز هفتاد درصد است. برای باز نمودن معبری بیست نفر داوطلب لازم شد بیش از هفتاد رزمنده مهیا شدند همه هم بر رقص خون در میدان مین وقوف داشتند. چنین وارستگی نه تنها هیچ چشمداشتی نداشته و ندارند بلکه شاکر پدیدآورندگان فرصتی شدند که طلایه دارانش با عزت و شرف در قهقهه ای مستانه به ضیافت الله نایل گشتند. بقیه السیف رزمندگان از ثبت سوابق ایثارگری ابا داشتند این بر همگان است که به اقتضای تکریم ایثار و جانفشانی منزلت ایثارگران را پاس بدارند و امکان زیستن متوسطی فراهم کنند.

بدون تردید پایداری و استمرار وحدانیت دینی و تمدنی ایرانیان در پی پایداری و ایثار رزمندگان و جانفشانی ها تبلور یافته است و در همه آثار تاریخی و ادبی و بر مبنای ارزیابی و قضاوت منصفانه مستندنگاران اعم از مستشرقین چنین فضیلتی در نزد جامعه ایرانی ماهیتی خیرخواهانه داشته و دارد. در دفاع مقدس که قداست آن در پرتو خون شهیدان غرتمند و شهادت طلب معنای قدسی و سپهری ملکوتی نیز یافته است انسان های پاک و از خود گذشته ای کسوت دانشجویی و دانش آموزی ایام شادمانی را وانهادند و رخت جهاد و شهادت برآزنده آنان گشت. خوشا به حال شهدا فرمودن آن پیر فرزانه ریشه در فرزانی ایمانی دارد و چه بالاتر و والاتر از چنین انتخابی که در قهقهه ای مستانه عنبربهم یرزقوند. الحق که دفاع هشت ساله بر بن مایه های یقینی قرین پیروزی و غریق فتح و ظفر گشت. چه انسان های یگانه ای به مذبحه ماشین جنگی قصابان صدامی رفتند و حسرت یک آه گفتن را بر دل دشمن گذاشتند. به تعبیر شهید حسینعلی عظیمی دفاع ما شکوه انگیز و تمدن آفرین است و همه تلاش دشمنان اینست که مانع رسیدن به سرچشمه های زلال و غنی اندیشه و شکوفایی خلافت ها شوند و در مقابل قدرت ایمان، تفکر ترکیبی و نوآوری ما زانو خواهند زد. هان به عبر چرا استاد و معلم، دانشجو و طلبه، بازاری و بازرگان، کارخانه دار و کارگر، کشاورز و صنعتگر، زن و مرد، پیر و جوان و عصاره فضایل همه ملت قدم در وادی جهاد و شهادت نهادند و چه فرهنگ مانایی خلق نمودند. توسل به شهداء و تحقق مصداقی نجینه و *أهله من الكرب العظیم بخشی از ادعیه است*.

در ساحت کلان و ساختار اجتماعی پویایی و تعادل نظام در حوزه های سیاسی، وفاقی، فرهنگی، معیشتی و زیست جهانی همبستگی تام و تمام و وابستگی اکنون و فردا به فرهنگ ایثار و فضیلت شجاعت دارد. در جهانی که به تعبیر نظریه پرداز مدرنیته، جامعه شناس معاصر آنتونی گیدینز یکی از سه پایه آن نظامی گری است و جنگ افزارها یک سوم اقتصاد آمریکا شامل شده اند انتقال ذخیره عظیم دفاع مقدس مهمترین مولفه امنیت سرزمینی است.

گذار مفهومی و نظری حکمروایی از سال ۱۹۹۵ پنج مرحله را طی کرده است و از حکمرانی به مثابه فرهنگ و تبدیل دولت زدایی در سال های ۲۰۱۰، به مدلول مشارکت ذینفعات در سال ۲۰۱۵ و به عنوان خدمات رسانی خوب در سال ۲۰۲۰ تعبیر شد و به الگوی جهانی قریب شده است. به تعبیر فیلسوف اجتماعی معاصر جهان در سال ۲۰۲۵ به آشکارترین شکل و عریان ترین شمایل دوگانگی مقاومت یا تسلیم و میدان نبرد خیر و شر، دارا و نادار، تاریکی و ظلمت و به تعبیری فراتاریخی حق و باطل پدیداری شده است. ولی در ورای این چهره تراژیک و بربریت نوین یا توحش مدرن پیوستگی و انسجام معرفتی و انسانی بر پایه ایمان به عدالت جهانی و همگانی و رهایی از انواع نابرابری ها و ناآزادی ها نیز در حال گسترش و تبدیل به رویکرد عمومی و ادبیاتی جهانی است.

در این گزارش به بررسی وجهه نظر ها و تحلیل وضعیت اجتماعی و معیشتی ایثارگران جهاد سازندگی نیز پرداخته شده است. در هر جامعه و سازمانی محرک و عامل فعال پیشرفت، ترقی و خلاقیت انسان ها هستند و سایر عوامل از جمله سرمایه و ابزار تبعی می باشند. تجارب کشورهای پیشرفته و جوامع متحول کنونی نیز نشان می دهند که همانا عاملیت مبدع نوآوری، متراکم کننده ثروت و پدید آورنده فناوری انسان با انگیزه و فرهیخته است. رزمندگانی که در طول دفاع مقدس با توکل و دستانی تقریباً خالی به جانفشانی در برابر صدامیان تا بن دندان مسلح پرداختند اکنون و اغلب در آستانه کمال و پختگی واقع اند و کارکردهای ارزشمندی در راستای تحقق امنیت فراگیر سرزمینی دارند. شناخت معتبر و پایای ترجیحات و انتظارات ایثارگران علاوه بر ضرورت های کاربردی و بکارایی در زمره اولین اقدام جهت بهره یابی در ساحت پارادایم امنیت منطقه ای است و همچنین در فرایندهای گذار به پارادایم توسعه نهادی نیز بهره مندی از ایثارگران یکی از چهار رکن پایداری تعبیر می شوند. انجام این پژوهش گامی در این راستا است. البته این اقدام دیرپا و ضروری تحقق یافت چون آقای مهندس نادر تقی زاده؛ مدیرکل امور ایثارگران جهادکشاورزی حمیت و همت والایی در انجام پژوهش و تدبیر امور دارند و همکاران ایشان نیز جهد و جهادی مثالی و نمایی صرف کردند تا در پرتو مدیریت ممتاز و حضور فعال در کارگاه ها و نشست های تخصصی تسهیل گری به راهبری و هدایت پژوهش در سطح ملی پرداخته و بیش از هزار واحد نمونه ای پیمایش و مصاحبه صورت گیرد به همین دلیل از زحمات بیدریغ و مسئولانه یکایک ایشان مانای حاج، محمد بابا رحیم سپاسگزاری به عمل می آید بدون تردید و براساس تجارب چهار دهه تلاش و تکاپو افرادی مانای امور ایثارگران جهادکشاورزی نماد سرمایه جاویدان و فعال نیل به پیشرفت و کامیابی مادی و معنوی هستند. فراست مسئولانه و مأل اندیشی بصیرانه ایشان در ضرورت و کاربرد این پژوهش نیز متحقق گردید جد بلیغ و سعی وافی ایشان در برگزاری بیش از ده کارگاه تسهیل گری و مقوله بندی یکصد و هفتاد محور عملیاتی به همکاری کانون جهادگران، مدیران وزارتی و استانی ترجمان کارآمدی است. الحق که حفظ امنیت سرزمینی و پایداری عزتمندانه کشور مرهون پایداری چنان این ایثارگران است که همه زیستن را از عنفوان برنایی در جهاد و تکاپو شدند در این پروژه بسی وقت گیر و کمتر چشم گیر نیز از بذل مساعدت همکاران و کارکنان امور ایثارگران و همراهی تک تک ایشان کمال امتنان و تشکر را دارد. معرفت و بصیرت عالمانه پشتوانه تصمیم گیری شجاعانه و اعتبار اقدام و عمل است. امید است این پژوهش هم الگویی جهت سایر نهادها و سازمان را در بر داشته باشد. هم به عنوان ذخیره ای علمی برای آیندگان مفید واقع شود.

گزارش در شش سرفصل اصلی سامان داده شده است. در فصل اول و پس از طرح موضوع به تشریح اهداف و روش ها اختصاص یافت. فصل دوم مرور منابع، اسناد و تجارب کشورها و رشد چارچوب نظری مختص شد. در فصل سوم به بیان روش تحقیق و رویه های گردآوری اطلاعات و بیان مشخصات جامعه آماری و مقیاس ها پرداخته شده است. روش و مراحل ارزیابی مشارکتی و شیوه های داده آمایی و داده پردازی نیز بیان شده است. فصل چهارم به تجزیه و تحلیل نتایج در چهار سطح شامل توصیف جامعه مورد بررسی، شاخص سازی، آزمون و آنالیز واریانس و در نهایت تحلیل چند بُعدی عاملی و ساختاری اختصاص دارد. فصل پنجم به تشریح یافته ها و آرایه الگوها براساس یافته ها معطوف است. پس از تشریح فرایند پژوهش از



آغاز تا آنالیز بر پایه به تشریح وضعیت معیشتی، زیست جهان، علایق انتظارات و خواسته‌های ایثارگران از دولت در قاموس ادبیات نظری این پژوهش و از امور ایثارگران، بنیاد شهید و بیش از بیست و پنج سازمان و نهاد ابعاد سند جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی بیان شده‌اند. فصل ششم نیز به ارجاعات، منابع و پیوست‌ها منحصر شده است.

این پژوهش بر مبنای روشی تأییدی-تکمیلی و فراتر از دوگانه انگاری کیفی-کمی از آغاز تا فرجام اجراء گردید؛ بدین شیوه که به منظور شناخت و تحلیل کیفی ابعاد مسأله‌ای موضوع مورد بررسی جلسات و نشست‌های اکتشافی و مصاحبه با مدیران و کارشناسان برپایه رویکرد برساختی نظریه زمینه‌ای انجام گرفت و در پی مرور منابع و مستندات، کارگاه‌های مشارکتی در سطح ملی (چهارده کارگاه با مشارکت ۲۳ نفر) و کارگاه‌های استانی اجراء و سپس ۱۵۰۰ واحد نمونه‌ای در چارچوب مصاحبه ساختمند در همه استان‌ها و شهرستان‌ها انتخاب و در نهایت ۱۲۶۴ مورد وارد فایل‌های اکسل و اس‌پی‌اس شدند تا داده آمایی، داده پردازی و تحلیل‌های چندین متغیره و عامل‌های سازه‌ای جهت آزمون روابط و شناخت ترجیحات و انتظارات ایثارگران تحقق یابد.

XXXXXXXXXXXXXXXX



۲- گزارش‌های علمی - فنی



بررسی اجمالی مساله ضریب نفوذ دانش در بخش کشاورزی

Overview of the Problem of "Knowledge Penetration Coefficient in the Agricultural Sector"

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: شهره سلطانی خانکهدانی

همکار: مجتبی پالوج

گروه های پژوهشی ذی ربط موسسه: گروه پژوهشی توسعه کشاورزی و روستایی

ناظر علمی: حسین اسماعیل نیا

شناسه یکتای سامانه سمع: SR-02-3-1-2323

کد فروست: SR-1404-14

قیمت: ۱۴۲۰۰۰۰ ریال

با توجه به ابهاماتی که در خصوص عبارت و یا واژه ترکیبی «ضریب نفوذ دانش در بخش کشاورزی» مطرح شده است، جناب آقای دکتر محمدعلی ابراهیمی، مدیرکل دفتر ارتباطات علمی و همکاری های بین المللی سازمان تحقیقات، ترویج و آموزش کشاورزی، با طرح موضوع در جلسه ای که در مؤسسه پژوهش ها در روز ۸ آبان ۱۴۰۲ با حضور ریاست مؤسسه جناب آقای دکتر کیانی راد، معاون پژوهشی جناب آقای دکتر گیلان پور و مدیر و همکاران گروه پژوهشی توسعه کشاورزی و روستایی و گروه پژوهشی فناوری اطلاعات و ارتباطات برگزار شد، خواستار بررسی ابهامات و ابعاد موضوع «ضریب نفوذ دانش در بخش کشاورزی» شدند. موضوع در دستور کار قرار گرفت و نتایج به دست آمده نشان دهنده موارد زیر می باشد:

- جمله «ضریب نفوذ دانش در بخش کشاورزی پایین است»، که مبانی علمی و قابلیت استناد ندارد و پژوهش یا مطالعه ای در این ارتباط صورت نگرفته و محاسبه نشده است؛ با این وجود تبدیل به بحث مجالس و اولویت سیاست گذاری و برنامه ریزی در سطح وزارت جهاد کشاورزی شده است که جای تامل دارد.

- استفاده و فرهنگ سازی و ترویج عبارت «پایین بودن ضریب نفوذ دانش در بخش کشاورزی»، دیدگاه مقامات، مسئولین و کارگزاران رده بالاتر کشور را تحت تأثیر قرار داده و همزمان که نگاه همه مردم کشور شامل جوانان، نوجوانان، مردم شهرها، مردم روستاها و سایر اقشار به بخش کشاورزی را رقم می زند، بازتاب آن بر اندیشه و انگیزه کشاورزان و شرکت های دانش بنیان بخش تأثیر می گذارد و موجب ورود به مقوله ای خواهد شد که صرفاً مبتنی بر یک برداشت و تحلیل نا صحیح است و چه بسا منشاء اقداماتی شود که مناسب نبوده و مفید و موثر نشده و با واقعیت فاصله داشته باشد.

- زمانی که گفته می شود ضریب نفوذ دانش در کشاورزی زیر ۵ درصد است، یکی از برداشت هایی که از جمله مذکور می شود، این است که کشاورزان ایرانی دارای سطح دانش خیلی پایین (زیر ۵ درصد) هستند که واقعیتش این چنین نیست و از این منظر در گزارش حاضر توضیح داده شد که با توجه به سطح دانش بومی کشاورزی قابل ارائه به جهان مانند قنات، ارقام زراعی اختراع شده توسط کشاورزان مانند برنج هاشمی، برنج کاظمی و... میزان بهره وری نیروی کار کشاورزی که توسط سازمان ملی

بهره‌وری از همه بخش‌های کشور بالاتر برآورد شده است و همچنین ارتقای سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، همه این موارد و مصادیق بی‌شمار وجود دارد که این برداشت را رد کند.

- یکی دیگر از برداشت‌هایی که از جمله می‌شود این است که شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها در بخش کشاورزی نمی‌توانند عملکردی داشته باشند. کمک‌های زیادی که استارت‌آپ‌های کشاورزی در کشورهای مختلف از کشورهای پیشرفته تا کشورهای مانند هند که در حال توسعه هستند به بخش کشاورزی و صنایع مربوط به آن می‌کنند، نیز این جمله و برداشت را تایید نمی‌کنند.

- یک برداشت دیگر این است که استارت‌آپ‌ها یا شرکت‌های دانش‌بنیان، منابع عظیم دانش کشاورزی هستند؛ اما کشاورزان از پذیرش آنها اجتناب می‌ورزند. نتیجه تحقیقاتی که در مورد شرکت‌های دانش‌بنیان بخش کشاورزی و دستاوردهای موجود آنها انجام شده است، این موضوع را رد می‌کند. بعلاوه، با توجه به نتایج تحقیقات و تجارب قبلی، هر فناوری که برای بخش کشاورزی مناسب باشد به سرعت توسط کشاورزان پذیرفته شده و بین آنها منتشر می‌شود. مثال‌های زیادی از این‌گونه فناوری‌ها وجود دارد که باعث شده‌اند تا رونق بخش کشاورزی در شرایط سخت امروز حفظ شود. تئوری‌های جدید در مورد نوآوری‌ها نشان می‌دهد کشاورزان افراد اقتصادی و با اندیشه و خردورز و ساعی هستند که علاوه بر سود آبی، منافع نسل‌های بعد و موضوعات زیست‌محیطی را در انتخاب فناوری‌های مناسب در نظر می‌گیرند. لذا ضروری است شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها با کمک دولت بتوانند در کنار بخش کشاورزی قرار گرفته، از شرایط آنها آگاهی کامل پیدا کنند، به ترکیب دانش سنتی و مدرن پرداخته و برای چالش‌های کشاورزان راهکارهای فناورانه ارائه دهند. لازم به ذکر است فناوری‌های کشاورزی حتی در کشورهای بسیار پیشرفته مانند ژاپن، لزوماً ممکن است تکنولوژی High-tech نباشد؛ اما به نیازهای روزمره کشاورز و ارتقای تولید کمک می‌کنند که در مواردی از آنها به فناوری سازگار نیز گفته می‌شود.

- بررسی منابع علمی فارسی و انگلیسی و جستجو در اینترنت نشان می‌دهد که تا کنون هیچ مطالعه و تحقیق علمی در دانشگاه یا مؤسسات پژوهشی داخل و خارج کشور در مورد «ضریب نفوذ دانش» به ویژه از نظر کمی انجام نشده است و هر آنچه در مورد این موضوع گفته شد، صرفاً یک برداشت است.

- ضریب نفوذ یا Penetration rate، شاخصی است که به صورت درصد بیان شده و نشان‌دهنده این است که چند درصد از جامعه از یک محصول/خدمت استفاده می‌کنند. جنبه اول تعریف این است که در جامعه مذکور، قبلاً این کالا یا خدمات یا روش از اساس وجود نداشته است، دوم اینکه خود این خدمت یا کالا سنجش پذیر و به لحاظ مقیاس متریک از اصولی پیروی کند که مهمترین مولفه آن کمیت پذیری است و جنبه سوم اینکه تعداد استفاده‌کنندگان یا مشتریان قابل‌شمارش هستند. بنابر این دانش را نمی‌توان بعد از کلمه ضریب نفوذ به کار برد چرا که هیچ یک از سه جنبه یا ویژگی بالا را ندارد. بخش کشاورزی خالی از دانش نیست که بتوان نفوذ دانش را در آن بررسی کرد و همچنین دانش یک متغیر قابل اندازه‌گیری و شمارش نیست که بتوان آن را در فرمول ضریب نفوذ گذاشت. هرچند این گزارش هرگز متعرض ابزار انتقال و انتشار دانش نشده است.

- در متون علمی، کنار کلمه دانش کشاورزی، کلماتی مانند «مدیریت دانش در بخش کشاورزی»، «تبادل دانش در بخش کشاورزی»، «ترکیب دانش بومی و مدرن در بخش کشاورزی» به کار برده می‌شود. این در حالی است که همچنان در مورد فناوری‌ها، محصولات و خدمات، امکان استفاده از عبارت «ضرب نفوذ» و محاسبه فرمول آن وجود دارد. مثال‌هایی در این زمینه، ضرب نفوذ موبایل یا ضرب نفوذ اینترنت در جوامع می‌باشد. مجدداً یادآور می‌شود قبل از معرفی فناوری، باید زمینه جامعه به طور کامل فاقد آن فناوری باشد که معمولاً خیلی کم چنین اتفاقی پیش می‌آید. به همین دلیل است که حتی در مورد فناوری‌ها هم کمتر از عبارت «افزایش ضرب نفوذ» و بیشتر از کلمه «توسعه فناوری» استفاده می‌شود.
- دانش در بخش کشاورزی مرز مشخص و محدوده متعین ندارد. به دلیل ماهیت کشاورزی و در یک نگاه زنجیره ارزش در کشاورزی می‌توان گفت از علوم مختلف، متعدد و متنوع دنیا در بخش کشاورزی استفاده می‌شود. کشاورزی فوق العاده دانش بر هست و مبنای اساس کار در آن، دانش هست و به همین دلیل دانش بومی غنی‌ای طی قرون و اعصار مختلف در این بخش شکل گرفته، و بیشتر به صورت ضمنی وجود دارد و در موارد بسیاری نیز تبدیل به دانش صریح شده است. در تمامی حلقه‌های زنجیره ارزش کشاورزی مبنای دانش می‌باشد. دانش و فناوری مورد نیاز بخش کشاورزی در مراحل مختلف از کاشت و داشت و برداشت گرفته تا بسته‌بندی، نگهداری و بازاریابی، و در زیربخش‌های مختلف بخش کشاورزی در حال به‌روزرشدن می‌باشد. سلاقی مصرف‌کنندگان و نیازهای آنها متنوع است. کشاورزان، مراجع تحقیقاتی، استارت‌آپ‌ها و مراجع علمی و نوآوری، در تلاش برای به دست آوردن دانش برای تولید محصولات با ارزش افزوده بیشتر هستند. پویایی رشته‌های مختلف دانش در جهان، این بخش را ملزم به بروزرسانی در فواصل بسیار کوتاه‌مدت می‌کند؛ بنابراین لازم است مراجع ذیربط و صاحب صلاحیت، دانش و فناوری را در اختیار و در خدمت بخش کشاورزی و خاصه کشاورزان قرار دهند و برای ارتقای دانش و فناوری این بخش حیاتی و با اهمیت تلاش کنند.
- در سایه عدم آگاهی و اشراف اطلاعاتی لازم و کافی موارد مشابه دیگر نیز به بخش کشاورزی وارد می‌شود. کشاورزان ایرانی در سایه نبود اطلاعات کامل و نداشتن تربیون و سخنگو و کمبود قدرت دفاع و نداشتن ابزار دفاعی، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. یکی از این مثال‌ها، «درصد استفاده از آب در بخش کشاورزی» و هجمه همه جانبه به کشاورزی و کشاورزان است و مثال دیگر، هدررفت و ضایعات محصولات کشاورزی است که در گزارش توضیح اجمالی در هر دو مورد ذکر شده است.

پیشنهاداتی که در پایان گزارش ارائه شده است، شامل موارد زیر می‌باشد:

- آگاه‌سازی مسئولین رده‌های مختلف وزارت جهاد کشاورزی در رابطه با آثار سوء آرایه آمار و ارقام ذهنی و غیر قابل اندازه‌گیری در عبارت «ضرب نفوذ دانش» و پیش‌فرض خالی بودن بخش کشاورزی از دانش و رقم تخمینی که برای آن ارائه شده است،
- توصیه موکد به استفاده از واژه‌ها و عبارات صحیح ترکیبی با کلمه دانش، مانند «مدیریت دانش کشاورزی»، «ارتقای دانش کشاورزی»، «تبادل دانش و تجربه کشاورزی»، «نوآوری و ارتقای دانش و فناوری کشاورزی» و...



- اهتمام کلیه فعالان بخش کشاورزی به ارتقای روزافزون دانش در بخش کشاورزی با به رسمیت شناختن جایگاه، اهمیت و ارزش عامل اصلی حفظ و ذخیره دانش و تبدیل آنها به نوآوری که همانا کشاورزان زحمت کش می‌باشند.
- هم‌راستا کردن اهداف و فعالیت‌های سایر فعالین بخش مانند صادرکنندگان، تعاونی‌ها، مراجع ارائه‌دهنده تسهیلات، فعالین بازار و استارت‌آپ‌های کشاورزی و غیرکشاورزی که در زمینه بسته‌بندی و بازاریابی می‌توانند فعالیت داشته باشند،
- آگاه سازی شرکت‌های دانش‌بنیان نسبت به فهرست نهاده‌های وارداتی بخش کشاورزی و برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری برای تولید این نهاده‌ها در داخل کشور با مدیریت شرکت‌های دانش‌بنیان و همکاری سایر فعالین بخش کشاورزی از منظر دانش.
- کمک به تشکلهای کشاورزان در جهت رسیدن به راهکارهای قانونی برای حمایت از حقوق کشاورزان و روستاییان برای تأثیرگذاری در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دانش بخش کشاورزی.
- انجام تحقیقات علمی گسترده در خصوص منابع موجود دانش کشاورزی و تقویت پیوند بین آنها به منظور تسهیل دستیابی به نوآوری‌های پیشرفته در زیربخش‌های مختلف بخش کشاورزی،

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



بخش کشاورزی در اسناد آمایش سرزمین منطقه ۱ (شامل استان‌های سمنان، گلستان، مازندران، گیلان)

Agricultural Sector in the Spatial Planning Documents of Region 1 (Including Semnan, Golestan, Mazandaran, Gilan Provinces)

نوع انتشار: عادی

تهیه‌کننده: محمدرضا بخشی

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی توسعه کشاورزی و روستایی

شناسه یکتای سامانه سمع: SR-04-3-1-2332

کد فروست: SR-1404-18

قیمت: ۱۲۵۰۰۰۰ ریال

به استناد جزء یک بند الف ماده ۲۶ قانون برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران و ماده ۳۲ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور؛ شورای عالی آمایش سرزمین در سال ۱۳۹۹ سند ملی و اسناد راهبردی و اجرایی آمایش سرزمین برای ۳۱ استان را تصویب و ابلاغ نموده است. سند ملی و استانی آمایش سرزمین توسط چندین جلد مطالعات پشتیبان حمایت شده است. علاوه بر تدوین و تصویب اسناد آمایش سرزمین، به منظور تسهیل اجرای راهبرد و سیاست‌های سرزمینی، پهنه سرزمینی ایران به ۹ منطقه آمایشی تقسیم شده است. منطقه ۱ آمایش سرزمین شامل استان‌های سمنان، گلستان، مازندران و گیلان می‌باشد.

در گزارش حاضر اهم موضوعات مرتبط با بخش کشاورزی در سند راهبردی و اجرایی آمایش سرزمین برای هر یک از استان‌های واقع در منطقه ۱ آمایشی استخراج شده است؛ در کنار موضوعات کشاورزی به موارد مرتبط با آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست نیز اشاره شده است. اهم موضوعات استخراج شده (مطالب این گزارش) شامل موارد زیر است:

- نقش استان در تقسیم کار ملی
- نقش استان در تقسیم کار منطقه‌ای
- قلمروها و اولویت‌های برای توسعه فعالیت‌های کشاورزی
- راهبردها و سیاست‌های برای توسعه بخش کشاورزی
- برنامه‌های اجرایی برای توسعه بخش کشاورزی
- نقشه سازمان فضایی توسعه کشاورزی در افق آمایش سرزمین هر استان

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



توسعه روستایی در چین (۱۹۷۸-۲۰۲۵)

Rural development in China (1978-2025)

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: محمدرضا بخشی

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی توسعه کشاورزی و روستایی

شناسه یکتای سامانه سمع: SR-03-3-1-2272

کد فروست: SR-1404-17

قیمت: ۱۲۵۰۰۰۰ ریال

مقدمه

یک کشور قحطی زده با ۴۵ میلیون تلفات انسانی در دهه ۱۹۶۰، در سال ۱۹۷۸ با مرگ مائو و تغییر رهبری، راهبردهای توسعه را تغییر داد و توانست تا سال ۲۰۲۰ حدود ۸۰۰ م. نفر (از جمعیت ۹۸۰ م. که بیش از ۸۲ درصد آنها در روستاها زندگی می‌کردند) از فقر نجات دهد. گزارش حاضر با استفاده از روش اسنادی و بازدید کوتاه از چند روستا در چین، عوامل، پیشران‌ها و برنامه‌های تحولات توسعه روستایی و فقرزدایی چین را بررسی نموده است.

خلاصه یافته‌ها

با شروع اصلاحات اقتصادی در سال ۱۹۷۸ و برنامه‌های توسعه‌ای پس از آن و اجرای برنامه‌های ویژه فقرزدایی، فقر شدید (با خط فقر ملی ۱.۹۹ دلار در روز) در مناطق روستایی چین در سال ۲۰۲۰ صفر شد که با استقبال گرم سازمان ملل متحد مواجه شد. عوامل و پیشران‌های تحولات توسعه روستایی چین به شرح زیر است:

- ۱- **نظام جدید کشاورزی** به عنوان آغازگر اصلاحات چین نزدیک به یک دهه مرکز اصلی رشد شتابان چین بود.
- ۲- **توسعه صنایع کاربر و کم مهارت در مناطق روستایی** موجب اشتغال غیرزراعی شد. زنجیره‌های ارزش شکل گرفت؛ صنایع ایجاد شده ارزیابی شد و صنایع ناکارآمد حذف شد و آموزش‌های حرفه‌ای شروع شد.
- ۳- **سرمایه گذاری در زیرساخت‌ها** (با شرط بکارگیری نیروی کار محلی در مناقصه) با افزایش دسترسی‌ها و ارتباطات حلقه‌های زنجیره‌های ارزش را یکپارچه کرد. همچنین سرمایه گذاری در زیرساخت‌های آب سالم، راه‌ها و انرژی به طور مستقیم دسترسی روستاییان به خدمات اولیه را بهبود بخشید.
- ۴- **مدیریت شهرنشینی و مهاجرت‌ها از طریق ایجاد نظام هوکو** از یک طرف موجب برگشت پول مهاجران به روستاها شد (Remittance) و از طرف دیگر با پایین نگه داشتن هزینه شهرنشینی و افزایش درآمد آنها، تقاضای جدید برای محصولات روستاییان ایجاد و به تبع آن سرمایه گذاری جدید را تحریک کرد.
- ۵- **مدیریت جمعیت** با کاهش باروری و نسبت مصرف کنندگان و افزایش جمعیت فعال و تولید کننده موجب شد در آمد ناشی از افزایش بهره وری و تولید کشاورزی و صنعتی به افزایش درآمد سرانه منجر شود.

- ۶- حکمرانی موثر و اراده قوی حاکمیت ملی و انگیزه قوی دولت محلی توانست سازمان‌های مختلف دولتی را هماهنگ و بخش‌های غیردولتی را برای فقرزدایی همسو کند.
- ۷- کمک‌های فنی و مالی بین‌المللی (نظیر ایفاد و بانک توسعه آسیایی) موثر بود.
- ۸- یادگیری از غرب سرلوحه اقدامات توسعه‌ای چین قرار گرفت.
- ۹- ثبات اقتصاد عامل مهمی برای شکوفایی استعدادها و رشد شتابان بود.
- ۱۰- برنامه‌های ویژه کاهش فقر مستقیماً بهبود معیشت خانواده‌های فقیر روستایی مورد هدف قرار داد.
- دستاوردهای غرور آمیز کاهش فقر در سال ۲۰۲۰ از یک طرف و نگرانی از بازگشت مجدد به فقر، موجب شد تا چین با تصویب قانون احیای روستایی در سال ۲۰۲۱، توسعه روستایی و مدرنیزاسیون کشاورزی را بیش از پیش و با جدیدیت بیشتر در راس قرار دهد. در راستای اجرای قانون مذکور، رویکرد توسعه یکپارچه شهر روستا و تقویت روابط شهر و روستا در دستور کار قرار گرفت؛ مهمترین اهداف، راهبردها و اقدامات آن عبارتند از:
- با بهبود ارتباطات فیزیکی و دیجیتالی و تقویت پیوند شهر-روستا تلاش شد تا تولیدات روستا به زنجیره ارزش محلی، ملی و بین‌المللی متصل شود. بنابراین سرمایه‌گذاری زیادی در زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتالی می‌شود.
 - توسعه کسب و کار و در راس آن ایجاد کشاورزی مدرن و تولید محصولات ایمن و با کیفیت در تراز جهانی و برند سازی برای آنها (نظیر برند و نشان جغرافیایی برای انواع چای) یکی از اولویت‌های مهم است.
 - از شرکت /صنعت پیشرو به دلیل سرعت نوآوری بالا، به عنوان یک پشتیبان برای توسعه کشاورزی و روستایی استفاده می‌شود (تقویت جریان فناوری بین شهر و روستا).
 - توسعه گردشگری و زیرساخت‌های آن از اولویت‌هاست. چین برای گردشگری روستایی و طبیعی دو عامل تاثیرگذار دارد؛ از یک طرف دارای منابع طبیعی بی شماری مانند دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و آب‌ها و کوه‌های سبز است از طرف دیگر حجم جمعیت شهرنشین با درآمد کافی اکنون متقاضی خرید خدمات رفاهی و گردشگری هستند.
 - احیای فرهنگ، میراث روستایی و حافظه تاریخی کشاورزی شدیداً در دستور کار قرار دارد که هم موجب اشتغال مستقیم روستاییان هنرمند و هم درآمدزایی از طریق گردشگری شده است؛ جشنواره‌ها و نمایشگاه برگزار می‌شود.
 - احیای استعدادهای انسانی موثر در توسعه روستا در دستور کار است؛ از جمله اینکه متخصصان شهری (بویژه کسانی که ریشه در روستا دارند) برای کمک فنی اجرای طرح‌ها به روستا دعوت می‌شود (تبادل استعدادها بین شهر و روستا).
 - احیا و حفاظت از اکوسیستم‌ها و زیبا نمودن محیط روستا در کنار سایر برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی قرار دارد.
 - برای هر یک از روستاها که قرار است ارتقا یابند برنامه جامع (بسته‌ای از پروژه‌ها) تعریف و اجرا می‌شود.
 - در فرایند روابط شهر و روستا، حقوق روستاییان نباید تضییع شود و بیرونی‌ها نباید دارایی‌های روستاییان را مالک شوند؛
 - خواهر خواندگی یکی از رویکردهای توسعه است؛ بدین ترتیب یک استان توسعه یافته همکار و همراه یک استان ضعیف است و کمک می‌کند تا یک منطقه فقیر از استان ضعیف ارتقا پیدا کند. تخصیص بودجه، مبادله حرفه‌ای‌ها (مدیران، کارشناسان، پزشکان، معلمان و نیروی کار) و استقرار در منطقه فقیر و اخذ پاداش پس از اتمام دوره مأموریت، ایجاد مراکز آموزشی، آموزش حرفه‌ای،

راه اندازی کسب و کار و ایجاد فرصت اشتغال برای نیروی کار منطقه ضعیف در کارخانجات استان پیشرفته، مصداق‌هایی از همکاری استان‌های خواهر خوانده است.

➤ مجموعه حکمرانی از کمیته روستایی، دولت محلی، دولت ملی تا شخص رئیس جمهور به انحای مختلف برنامه احیای روستایی را بطور جدید در دستور کار قرار داده‌اند. همچنین دولت‌های محلی با انجام پایلوت‌ها و تعمیم الگوهای موفق در فرایند توسعه روستایی نقش آفرینی کرده‌اند.

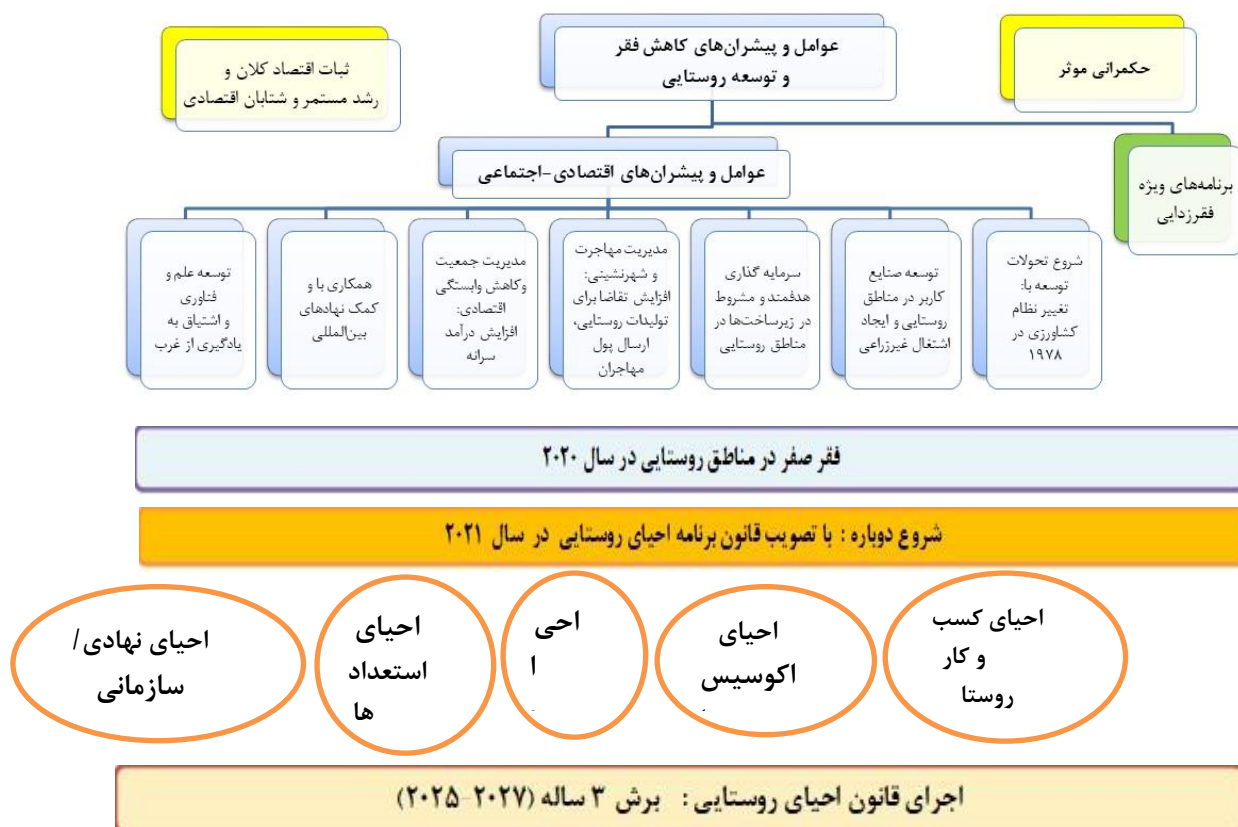
مجموع برنامه و اقدامات فوق، روستاهای چین را به یک سطحی از توسعه یافتگی رسانده است. اگر بخواهیم آن را با ایران مقایسه کنیم نیاز به یک مطالعه مجزا و دقیق‌تری است؛ با این حال با بررسی اسناد و تجربه سفر به روستاهای چین اینگونه استنباط می‌شود که وضعیت توسعه یافتگی روستاهای ایران در گذشته بهتر از چین بوده است ولی اکنون چین در حال عبور پر قدرت از ایران و رسیدن به جایگاه بالاتر است؛ هر چند چین هنوز چالش‌های زیادی از جمله محیط زیست، تولید غذا و امنیت غذایی در مناطق روستایی وجود دارد.

توصیه‌ها (درس آموخته‌ها)

آموخته‌ها از تجارب چین که می‌تواند در توسعه روستایی ایران مورد توجه قرار گیرد:

- نوسازی و ارتقای کشاورزی و توسعه روستایی بیش از پیش در دستور کار است. همچنین با توجه به جنگ‌های تجاری توسعه و استقلال آتی کشور به توسعه کشاورزی و روستایی گره زده شده است.
- حکمرانی توسعه روستایی هماهنگ است و همگان از رئیس جمهور تا کمیته‌های روستایی در پایین‌ترین سطح در راستای اهداف تعریف شده در حرکت هستند. اراده محکم حاکمیت و دولت ملی و انگیزه و اختیارات دولت محلی و در کنار آنها، وجود نظارت و پاسخگویی قوی تحقق اهداف را تضمین می‌کند.
- برای توسعه روستایی نه تنها قانون، بلکه برنامه‌های اجرایی با برش‌های پنج‌ساله، سه ساله و یک ساله است. اینگونه نیست که برای توسعه روستایی قانون تصویب شود و در مرحله اجرا، توسعه روستایی رها شود.
- توسعه روستایی نه تنها نباید منجر به تخریب محیط زیست و اکوسیستم‌ها شود، بلکه حفاظت از محیط زیست و احیای اکوسیستم‌ها، آورده اقتصادی - اجتماعی برای توسعه روستایی دارد.
- تقویت روابط شهر روستا برای توسعه روستایی تعیین کننده است؛ لیکن در این روابط می‌بایست هر گونه تجاوز و تضییع حقوق روستاییان، کشاورزان و کشاورزی ممنوع باشد و برای این ممنوعیت سازوکار تعریف شود.
- در چارچوب تعریف روابط شهر و روستا، یکی از اقدامات مهم فراخوان استعدادها (بویژه آنهایی که ریشه در محل دارند) برای تعریف و اجرای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی است.
- در حوزه کشاورزی و در چارچوب تعریف روابط شهر و روستا، یکی دیگر از اقدامات مهم، اتصال کشاورزان و روستاییان به بازارهای ملی و بین‌المللی از طریق توسعه تجارت الکترونیک است که می‌بایست به کمک تولید محصول ایمن و با کیفیت، نوآوری و برند سازی و بطور کلی اعتماد سازی در این روابط حمایت شود.

- برای ارتقای سطح توسعه هر روستا (یک روستا)، بسته‌ای از پروژه‌های تعریف و بصورت هماهنگ در یک دوره زمانی معین اجرا می‌شود؛ یعنی دستگاه‌های مختلف بصورت پراکنده کار نمی‌کنند.



XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



راهکارهای توسعه روابط خارجی با کشورهای هدف مبتنی بر برنامه هفتم پیشرفت

Strategies for Developing Foreign Relations with Target Countries Based on the Seventh Development Plan

نوع انتشار: عادی

تهیه‌کننده‌ها: سیدمحمد فهیمی‌فرد، علی اکبر باغستانی، رضا حیدری

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا، گروه پژوهشی برنامه‌ریزی راهبردی کشاورزی و امنیت غذایی

ناظر علمی: علی کیانی راد

ویراستار ادبی/ بازخوانی نسخه نهایی: مجتبی پالوج

شناسه یکتای سامانه سمع: SR-03-4-1-2200

کد فروست: SR-1404-16

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

بررسی راهبردهای تجاری بویژه در بخش کشاورزی به کشورها کمک می‌نمایند تا به محدودیت‌های تولید و کمیابی منابع غلبه کرده و از طریق ایجاد پیوندهای تجاری، امنیت غذایی بیشتری را برای شهروندان خود به همراه بیاورند. برای این منظور در گزارش حاضر، تصویری از وضعیت موجود و راهکارهای توسعه تجارت محصولات کشاورزی بین ایران و کشورهای آسیایی، آفریقایی، آمریکای لاتین و کشورهای منتخب، بررسی شد که اهم نتایج حاصل عبارتند از:

- ✓ ایران معادل ۱۷۲۳۳.۱ میلیون دلار واردات محصولات کشاورزی و ۶۰۲۴.۱ میلیون دلار صادرات محصولات کشاورزی به سایر کشورهای جهان در سال ۲۰۲۳ داشته است. ذرت، دانه سویا و گندم به ترتیب مهمترین اقلام کشاورزی وارداتی و آجیل، خرما و گوجه‌فرنگی مهمترین اقلام صادراتی کشاورزی ایران به سایر کشورهای جهان را به خود اختصاص داده‌اند.
- ✓ کشورهای آسیای مرکزی (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان)، معادل ۱۳.۴ میلیارد دلار واردات محصولات کشاورزی و ۸.۰۸ میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی در سال ۲۰۲۳ داشته‌اند. گندم، قند، شکلات و کاکائو به ترتیب مهمترین اقلام کشاورزی وارداتی و گندم، آرد گندم و حبوبات به ترتیب مهمترین اقلام صادراتی کشاورزی کشورهای یاد شده را به خود اختصاص داده‌اند.
- ✓ ایران معادل ۶۷.۷ میلیون دلار واردات محصولات کشاورزی و ۳۵۷.۰ میلیون دلار صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای آسیای مرکزی در سال ۲۰۲۳ داشته است. جو، کنجاله و گندم به ترتیب مهمترین اقلام کشاورزی وارداتی و آجیل، خرما و قند به ترتیب مهمترین اقلام صادراتی کشاورزی ایران به کشورهای یاد شده را به خود اختصاص داده‌اند.
- ✓ کشورهای آفریقایی، معادل ۱۱۰.۷ میلیارد دلار واردات محصولات کشاورزی و ۷۸.۷ میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی در سال ۲۰۲۳ داشته‌اند. گندم، قند، شکلات و برنج به ترتیب مهمترین اقلام کشاورزی وارداتی و کاکائو، مرکبات و قهوه به ترتیب مهمترین اقلام صادراتی کشاورزی کشورهای یاد شده را به خود اختصاص داده‌اند.

- ✓ ایران معادل ۵۰.۷ میلیون دلار واردات محصولات کشاورزی و ۵۱.۱ میلیون دلار صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای آفریقایی در سال ۲۰۲۳ داشته است. ماهی، صمغ‌ها و تنباکو به ترتیب مهمترین اقلام کشاورزی وارداتی و ماکارونی، انگور و شیرینی و بیسکویت به ترتیب مهمترین اقلام صادراتی کشاورزی ایران به کشورهای یاد شده را به خود اختصاص داده‌اند.
- ✓ کشورهای آمریکای لاتین، معادل ۱۳۰.۸ میلیارد دلار واردات محصولات کشاورزی و ۳۲۸.۳ میلیارد دلار صادرات محصولات کشاورزی در سال ۲۰۲۳ داشته‌اند. ذرت، دانه سویا و گندم به ترتیب مهمترین اقلام کشاورزی وارداتی و دانه سویا، ذرت و قند به ترتیب مهمترین اقلام صادراتی کشاورزی کشورهای یاد شده را به خود اختصاص داده‌اند.
- ✓ ایران معادل ۵۷۲.۶ میلیون دلار واردات محصولات کشاورزی و ۲.۵ میلیون دلار صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای آمریکای لاتین در سال ۲۰۲۳ داشته است. روغن سویا، گوشت گاو و ذرت به ترتیب مهمترین اقلام کشاورزی وارداتی و انگور، خرما و آجیل‌ها به ترتیب مهمترین اقلام صادراتی کشاورزی ایران به کشورهای یاد شده را به خود اختصاص داده‌اند.
- ✓ **روسیه:** میوه و سبزیجات دارای پتانسیل صادراتی به این کشور بوده و می‌توان با برنامه‌ریزی برای تولید با کیفیت و مبتنی بر صادرات، رایزنی و رعایت استانداردهای تجاری و لازم کشور مقاضی، صادرات این اقلام را با در نظر گرفتن ظرفیت تولید داخل، افزایش داد. با توجه به نیاز داخلی و وابستگی بخش کشاورزی ایران به نهاده‌های دامی از جمله ذرت و جو و همچنین با توجه به ظرفیت موافقت‌نامه اوراسیا، امکان افزایش واردات نهاده‌های مذکور از کشور روسیه وجود دارد.
- ✓ **ترکیه:** ترکیه یکی از بزرگ‌ترین قطب‌های کشاورزی در اتحادیه اروپا بوده و میلیون‌ها کشاورز با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته محصولات کشاورزی تولید می‌کنند. روز به روز بر میزان استفاده از تکنولوژی و کشاورزی هوشمند در میان کشاورزان و دامداران ترکیه اضافه می‌شود که این تجربیات می‌تواند به کشاورزان کشور در حوزه‌های مختلف منتقل شود.
- ✓ **عراق:** تمرکز بیش از حد بر صادرات محصولات کشاورزی به عراق به عنوان بازار صادراتی می‌تواند به شدت صادرات کشور را آسیب‌پذیر کند. امکان تولید و همکاری مشترک در بخش کشاورزی و کشت فراسرزمینی و به ویژه برای محصولات با نیاز آبی بالا از جمله دانه‌های روغنی، چغندرقد، علوفه و... در برخی از مناطق کشور عراق از جمله منطقه کردستان به دلیل برخورداری از منابع آب سطحی مناسب و زمین‌های کشاورزی مرغوب وجود دارد.
- ✓ **قزاقستان:** با توجه به این که قزاقستان تولیدکننده مهم غلات است می‌توان بخشی از نیاز وارداتی به این محصولات را از این کشور تأمین نمود. به عبارت دیگر منابع حاصل از صادرات کالا به قزاقستان را صرف واردات غلات مورد نیاز کشور نمود و بدین طریق با تهاتر کالا مسائل و مشکلات در خصوص مبادلات پولی و بانکی را تا حد قابل توجهی کاهش داد. با توجه به تغییرات اقلیمی و کمبود آب در کشور، تولید محصولات کشاورزی در خاک قزاقستان با سرمایه‌گذاری و مشارکت دولت و بخش خصوصی می‌تواند بخشی از نیاز کشور به کالاهای اساسی را مرتفع سازد.
- ✓ **سایر کشورهای همسایه:** با توجه به توان کشور در تولید محصولات زراعی و باغی که جزو عمده اقلام صادراتی به کشورهای همسایه نیز هستند، باید توجه ویژه‌ای به توسعه صنایع لبنی و همچنین دیگر صنایع فرآوری از جمله صنایع ذی‌ربط سبزیجات، غلات (انواع نان و بیسکویت)، انواع خوراکی‌ها، آبمیوه، رب گوجه فرنگی، بستنی، فرآورده‌هایی از میوه مانند انواع مربا، مارمالاد،

پوره و غیره و صنعت قند و شکر و شیرینی داشت تا علاوه بر بهره‌مندی از مزایای آن برای داخل کشور، از ارزآوری بیشتر و افزایش سهم ایران در بازارهای وارداتی کشورهای همسایه بهره جست.

✓ **هند:** زیست‌بوم کشاورزی در هند با چالش‌هایی مواجه است که این چالش‌ها در ایران نیز مطرح است؛ همانند اندازه کوچک مزارع، زمان بالای بازگشت سرمایه، نگهداشت پایین استعدادهای بخش کشاورزی، زمان زیاد برای جلب اعتماد کامل کشاورز به فناوری‌ها، توان مالی نامناسب کشاورزان برای استفاده از فناوری، توانایی و مهارت‌های پایین کشاورز جهت استفاده از فناوری و مشکل ادغام استارت‌آپ‌های کشاورزی در شرکت‌های بزرگ کشاورزی. با وجود این، براساس گزارش‌های موجود، در رتبه‌بندی جهانی، این کشور براساس استارت‌آپ‌های فناوری‌محور در بخش کشاورزی، رتبه ششم را به خود اختصاص داده است که می‌توان از تجربیات این کشور جهت توسعه بخش کشاورزی ایران استفاده کرد.

✓ **برزیل:** برزیل همانند بسیاری از کشورهای دنیا واردکننده برخی از کالاهای کشاورزی می‌باشد که در مناطق معتدله تولید می‌شود. از جمله کالاهای وارداتی این کشور که ظرفیت تامین آن از سوی ایران وجود دارد، می‌توان به سیب زمینی، سیب، درختی، کشمش، کیوی، فندق، زرد آلو خشک، خرما و پسته اشاره کرد.

✓ **اروگوئه:** از آنجاکه کشور اروگوئه از منابع آبی مناسبی برخوردار بوده (۱۳۰۰ میلیمتر در سال) و بیش از ۸۰ درصد اراضی آن به کشاورزی اختصاص دارد، ایران می‌تواند در زمینه کشت فراسرزمینی با کشور اروگوئه همکاری کند. کشور اروگوئه از کشورهای پیشرو در تولید برنج می‌باشد، پیشنهاد می‌شود مؤسسه تحقیقات برنج کشور از یافته‌های علمی کشور اروگوئه در خصوص محصول برنج استفاده کند.

✓ **غنا:** کشور غنا واردکننده گوشت مرغ بوده و ایران نیز جزء بزرگترین کشورهای تولیدکننده گوشت مرغ می‌باشد، ایران می‌تواند به این کشور گوشت مرغ صادر کند. از آنجاکه کشور غنا به لحاظ تکنولوژی‌های روز در حوزه کشاورزی از وضعیت مناسبی برخوردار نمی‌باشد، ایران می‌تواند خدمات فنی و مهندسی را در حوزه یاد شده به این کشور صادر کند.

✓ **کنیا:** سهم ایران از مجموع ارزش صادرات و واردات محصولات کشاورزی در سال ۲۰۲۲ به ترتیب ۱.۳ و ۰.۰۸ درصد است. در واقع سهم ایران از صادرات و واردات محصولات کشاورزی کنیا بسیار ناچیز است. در نهایت، پتانسیل افزایش صادرات برخی از محصولات کشاورزی به کنیا از جمله غذاهای آماده، ماکارونی، چای ایرانی، کشمش، پسته و خرما وجود دارد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



کشاورزی قراردادی در راستای کاهش اثرات زیست‌محیطی کشاورزی

Contract Farming to Reduce the Environmental Impacts of Agriculture

نوع انتشار: عادی

تهیه‌کننده: محمدجعفر اصفهانی

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: توسعه کشاورزی و روستایی

شناسه یکتای سامانه سمع: SR-01-1-1-1733

کد فروست: SR-1404-18

قیمت: ۱۲۲۰۰۰۰ ریال

افزایش تقاضای غذا، منابع انرژی تجدیدناپذیر و استانداردهای زندگی نیازمند دانش جدیدی در باره سیستم تولید است تا آنها را تحت معیارهای پایداری قابل قبول سازد؛ بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در زمینه افزایش تولید باید در یک بستر زیست‌محیطی و با حداقل اثرات نامطلوب صورت پذیرد. اگرچه از نظر زیست‌محیطی تولید پایدار دارای اثرات خارجی مثبت قوی است؛ ولی کشاورزان اغلب به دلیل اینکه هزینه تولید پایدار بالاتر و عملکرد آن نسبتاً پایین‌تر از شیوه تولید رایج است، تمایلی به استفاده از شیوه‌های تولید پایدار ندارند. عدم دسترسی کشاورزان خرد و متوسط به بازارهای خاص، سبب شده است تا تولید پایدار در مقایسه با شیوه تولید رایج جذابیت چندانی برای کشاورزان نداشته باشد.

برخی معتقدند کشاورزی قراردادی توانایی حل هم‌زمان این مشکلات را دارد. بسیاری از نویسندگان معتقدند کشاورزی قراردادی پیشرفت مثبتی برای انقلاب کشاورزی در کشورهای در حال توسعه است و شانس کشاورزان را در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی بهبود می‌بخشد. کشاورزی قراردادی؛ قراردادی که بین کشاورز و یک شرکت به صورت کتبی یا شفاهی قبل از شروع تولید برای یک مدت معین منعقد شده است، در این قرارداد شرکت متعهد می‌شود برخی از منابع را در اختیار کشاورز قرار دهد و علاوه بر شروط بازاریابی، یک یا چند شرط تولید نیز در آن مشخص می‌شود. تولیدات کشاورزی در زمین‌های تحت کنترل کشاورز انجام می‌شود. این قرارداد غیرقابل انتقال است و حقوق انحصاری و قانونی محصول متعلق به شرکت است نه کشاورز باین وجود؛ علی‌رغم ادبیات گسترده در مورد اثرات اقتصادی کشاورزی قراردادی، مطالعات بسیار کمی اثرات آن را بر محیط‌زیست و عملیات پایدار زراعی بررسی کرده‌اند. با توجه به تعریف ارائه شده در خصوص کشاورزی قراردادی و ارتباط آن با عملیات کشاورزی پایدار، برخی از پیامدها و اثرات کشاورزی قراردادی مانند افزایش دانش کشاورزان، افزایش بهره‌وری، افزایش درآمد کشاورزان و قابلیت ردیابی محصول می‌تواند اثرات زیست‌محیطی مطلوبی به دنبال داشته باشد.

انتظار می‌رود مزایای اقتصادی کشاورزی قراردادی شامل ثبات قیمت و دسترسی به بازار به علاوه تأثیر مثبت کشاورزی قراردادی بر درآمد کشاورزان بتواند بر فرایند تولید پایدار و دوستدار محیط‌زیست تأثیرگذار باشد؛ دسترسی کشاورزان خرد به بازار محصولاتی که

اصول کشاورزی پایدار در آنها رعایت شده است می‌تواند انگیزه اصلاح روش‌های کشاورزی را در آنها ایجاد کند. همچنین درآمد بالاتر کشاورزان قراردادی می‌تواند منجر به یادگیری و بهینه‌سازی فرایندهای تولید پایدار شود.

علی‌رغم پیامدهای زیست‌محیطی مثبتی که کشاورزی قراردادی می‌تواند داشته باشد، در صورت عدم توجه به ملاحظات زیست‌محیطی، کشاورزی قراردادی می‌تواند یک تهدید جدی برای محیط‌زیست باشد. در برخی موارد گزارش شده است که استفاده بیشتر از مواد شیمیایی، استفاده فشرده از زمین، و گسترش کشت تک‌محصولی در کشاورزی قراردادی می‌تواند تهدید بزرگی برای اکوسیستم‌ها باشد. از طرف دیگر هر چند افزایش درآمد به عنوان یک پیامد زیست‌محیطی مثبت در بسیاری از مطالعات در نظر گرفته می‌شود؛ ولی با این حال هنوز مشخص نیست که آیا افزایش درآمد حاصل از مشارکت در کشاورزی قراردادی می‌تواند به کشاورزان کمک کند تا بر این موانع غلبه کنند و آن‌ها را تشویق کند تا در تولید سازگار با محیط‌زیست مشارکت کنند یا خیر.

به منظور اطمینان از استفاده از روش‌های تولید پایدار قراردادهای باید دارای برخی ویژگی‌هایی باشند.

اول، قراردادهای باید به گونه‌ای طراحی شوند که کشاورزان قیمت‌های منصفانه‌ای دریافت کنند و به منابعی دسترسی داشته باشند که به آنها امکان اتخاذ شیوه‌های پایدار را می‌دهد.

دوم، قراردادهای باید حفاظت از تنوع زیستی و حفاظت از محیط‌زیست را ارتقا دهند.

سوم، قراردادهای باید با حصول اطمینان از اینکه با کشاورزان منصفانه رفتار می‌شود و به حقوق اولیه انسانی دسترسی دارند، پایداری اجتماعی را ارتقا بخشد.

چهارم، قراردادهای باید شفافیت و پاسخگویی را در زنجیره تأمین تشویق کنند.

در نهایت، قراردادهای باید انعطاف‌پذیر و سازگار با شرایط متغیر باشند.

با توجه به موارد گفته شده، نظارت مستمر بر فرایند تولید قراردادی باید این اطمینان را حاصل کند که تولید با کمیت و کیفیت مناسب می‌تواند در بلندمدت ادامه داشته باشد. اطمینان از به حداقل رسیدن اثرات نامطلوب زیست‌محیطی می‌تواند یکی از مهم‌ترین ابزارها برای استمرار و پایداری این نوع کشاورزی باشد.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



نوآوری‌ها و روندهای نوظهور در بیمه کشاورزی

Innovations and Emerging Trends in Agricultural Insurance

نوع انتشار: عادی

تهیه‌کننده: مریم اردستانی

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا

شناسه یکتای سامانه سمع: SR-03-4-1-2230

ناظر علمی: علی کیانی راد

کد فروست: SR-1404-15

قیمت: ۱۰۲۰۰۰۰ ریال

نظر به اهمیت مطالعه در زمینه‌ی نوآوری‌ها و شیوه‌های نوظهور در بیمه کشاورزی، در گزارش حاضر به بررسی موضوع پرداخته شده و ضمن ارائه تصویری از ریسک و بیمه در بخش کشاورزی، شیوه‌های مذکور مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته است. اطلاعات و آمار مورد نیاز از منابع اسنادی (کتابخانه‌ای) سراسر جهان گردآوری شده است.

جمع‌بندی و یافته‌های گزارش بر موارد زیر تاکید دارند:

- بیمه کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای مدیریت ریسک در جهان شناخته شده و در دسته اقدامات انتقال ریسک قرار دارد. طی دو دهه اخیر اقبال فراوانی به این ابزار در کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط پدیدار شده است؛ لیکن به دلیل چالش‌های نهفته در ذات آن هنوز هم بسیاری از انتظارات خرده‌مالکان با این ابزار برآورده نمی‌شود. چالش‌های مذکور به ویژه در کشورهایی که صنعت بیمه کشاورزی در آنها به خوبی توسعه نیافته است، شدیدتر است. بسیاری از دولت‌ها، اغلب با حمایت اهداکنندگان و سایر شرکا، با چالش‌های بیمه کشاورزی مقابله می‌کنند. این تلاش‌ها شامل ایجاد محیط‌های قانونی و نظارتی بیشتر برای بیمه‌گران خصوصی، تخصیص یارانه به بیمه کشاورزی، برخوردار نمودن گروه‌های محروم از بیمه کشاورزی و هزینه‌کرد بیشتر برای شبکه‌های ایمنی و برنامه‌های کمک‌رسانی در بلایا برای محافظت از خانوارهای روستایی است.
- به منظور رفع این چالش‌ها و ارتقاء توسعه بیمه کشاورزی، علاقه روزافزونی به بهره‌گیری از راهکارها، سیاست‌ها و رویکردهای فناوری نوآورانه در اجرای این سیاست در سراسر دنیا پدیدار شده و جهان شاهد افزایش مداخلات سیاستی، فناوری‌های نوآورانه و رویکردهای نهادی جدید در برنامه‌های بیمه کشاورزی است. به گونه‌ای که یکی از بزرگ‌ترین تغییرات بیمه کشاورزی در سال‌های اخیر، افزایش فناوری‌های جدید بوده است.
- بر اساس مطالعات، رویکردهای نوآورانه در دو دسته‌ی رویکردهای فناورانه و رویکردهای نهادی طبقه‌بندی می‌شوند. از جمله رویکردهای فناورانه می‌توان به سنجش از راه دور و مدل‌سازی محصول، برنامه‌های هوشمند و متصل کاربر نهایی، فناوری‌های

بالاچین و بیمه مبتنی بر تصویر و از جمله رویکردهای نهادی می‌توان به بیمه زنجیره ارزش، بیمه متقابل و همتا به همتا و بیمه با هدف گروه‌های محروم اشاره نمود.

- دولت‌ها، جوامع بین‌المللی توسعه و بیمه‌های خصوصی در تلاش‌های خود برای افزایش پوشش‌های جامع بیمه کشاورزی با رویکردهای فوق هنوز با چالش‌های متعددی روبرو هستند و لذا استقبال از آنها یکسان نیست.
 - از جمله‌ی این چالش‌ها، عدم برآورده نمودن انتظارات گسترده توسط بسیاری از نوآوری‌های فناورانه است و آنها هنوز هم فراتر از ظرفیت بسیاری از کشورهای کم‌درآمد و با درآمد متوسط قرار دارند. در حال حاضر این راهکارهای فناورانه در کشورهای در حال گذاری که ظرفیت‌های زیرساختی، منابع انسانی و بخش خصوصی توسعه‌یافته‌تری دارند، بیشتر به چشم می‌خورد.
 - چالش دیگر در زمینه‌ی نوآوری‌های نهادی است و آن اینکه مدل‌های کسب‌وکار نوآوری‌های نهادی اغلب به اندازه کافی در زنجیره‌های ارزش کشاورزی محلی یا محیط روزمره جوامع کشاورزی ادغام نمی‌شوند و ممکن است منافع و مشارکت‌های طرف‌های مختلف درگیر را تحت تأثیر قرار ندهند. طرح‌های خصوصی موفق اغلب راهکارهای بسیار خاصی را برای گروه هدفی از کشاورزان یافته‌اند و اگرچه طراحی مجدد راهکارهای موصوف و تعیین مقیاس اجرای آنها دشوار است؛ اما برای کسانی که درگیر هستند بسیار سودمند است.
 - موارد فوق همچنین بر چالش هزینه‌های بالای حق بیمه در غیاب یارانه‌های دولتی تأکید می‌کنند. این واقعیت که اکثر برنامه‌های بیمه‌ای در سراسر جهان به شدت یارانه می‌گیرند، نشان می‌دهد که بسیاری از کشاورزان هنوز بیمه را خیلی گران می‌دانند. برخی از خطراتی که نیاز است کشاورزان در برابر آنها بیمه باشند، ماهیت فاجعه‌بار داشته که ممکن است بدون یارانه‌های بالا بسیار پرهزینه باشند. بیمه‌های کاملاً خصوصی هرگز جایگزین کاملی برای این نوع ریسک نبوده و لذا دولت‌ها همیشه ملزم به ارائه نوعی کمک در بلایا هستند. این مورد حتی در کشورهای پردرآمدی مانند ایالات متحده آمریکا، فرانسه و ژاپن که برنامه‌های کشاورزی بزرگ‌مقیاس و با حمایت دولتی دارند نیز صادق است.
 - عدم هماهنگی موثر میان بسیاری از بازیگران دولتی و خصوصی، بین‌المللی و ملی در برنامه‌های بیمه کشاورزی چالش دیگری است. هماهنگی بهتر و کارآمد در راهکارهای عینی از طریق مشارکت و بسترهای مبادله می‌تواند منجر به اجرای برنامه‌های بیمه‌ای با ارزش افزوده‌ی بیشتر و مقیاس بالاتر شود.
- فائق آمدن بر چالش‌های فوق و برخورداری حداکثر کشاورزان از برنامه‌های بیمه‌ای مستلزم همراه شدن نوآوری‌های فناورانه با ترتیبات نهادی و سیاست‌های حمایتی دولتی است. این امر در کشورهایی نظیر هند و چین رخ داده و آنها سرمایه‌گذاری سنگینی در توسعه سیستم‌های بیمه کشاورزی خود انجام داده و یارانه‌های بالایی را در جهت تشویق جذب بیمه پرداخت نموده‌اند.
- در میان چالش‌های مداوم و روش‌های نوآورانه برای غلبه بر آنها، هنوز سؤالات مبهم بسیاری وجود دارد. یکی از موارد کلیدی این است که آیا نرخ بالای یارانه دولتی شرط لازم برای افزایش قابل‌توجه بیمه برای کشاورزان خرده‌پا است؟ این سوال در سطح کلان منجر به تفکر در مورد اهداف و سیاست‌های اقتصادی پشتیبان بیمه کشاورزی می‌شود. از جمله اینکه کارایی نسبی و تأثیر سایر راه‌های تثبیت درآمد مزرعه مانند تامین اجتماعی و امادرسانی در بلایا بر بیمه کشاورزی چگونه است؟ در حالی که گزارش حاضر به این سوال و بسیاری از سؤالات مهم دیگر پاسخ نمی‌دهد؛ لیکن امید می‌رود که به تلاش‌های مشترک دست‌اندرکاران و سیاست‌گذاران و تحولات و مباحث جاری در زمینه بیمه کشاورزی کمک کند.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



بررسی مزایا و معایب احداث و توسعه مگافارم‌ها در مقایسه با کشاورزی کوچک مقیاس

Surveying the Advantages and Disadvantages of Establishing and Developing Megafarms Compared to Small-Scale Agriculture

نوع انتشار: عادی

تهیه‌کننده: معصومه فخری

همکاران به ترتیب حروف الفبا: نیلوفر رضایی، هوشنگ ساجدی، کتابون شمشادی، سیدمحمد فهیمی فرد، میترا معظمی، فرزین علی ملایری، وهب میرباقری، اسماعیل نصر اصفهانی

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی اقتصاد منابع طبیعی و محیط‌زیست، گروه پژوهشی برنامه‌ریزی راهبردی کشاورزی و امنیت غذایی، گروه پژوهشی توسعه کشاورزی و روستایی، گروه پژوهشی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات کشاورزی و روستایی، گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا

شناسه یکتای سامانه سمع: SR-03-1-1-2160

کد فروست: SR-1404-19

قیمت: ۷۳۰۰۰۰ ریال

در سده اخیر، جهان شاهد تحولات چشمگیری در صنعت کشاورزی بوده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، ظهور و گسترش مگافارم‌هاست. این مدل‌های جدید کسب‌وکار کشاورزی در مقیاسی بسیار بزرگ‌تر از مزارع سنتی عمل می‌کنند. ویژگی اصلی این مدل‌ها، ایجاد فضای سرمایه‌گذاری برای فعالان اقتصادی است که سابقه‌ای در تولید بخش کشاورزی ندارند (بوهلجه^۱، ۱۹۹۹). این مزارع به‌عنوان پاسخی به نیازهای رو به افزایش جمعیت جهان و تقاضای فزاینده برای محصولات کشاورزی پدیدار شده‌اند. مگافارم‌ها مزارع کشاورزی یا دامداری در مقیاس بسیار بزرگ هستند که از روش‌های مدرن کشاورزی برای تولید انبوه محصولات یا فرآورده‌های حیوانی استفاده می‌کنند. آن‌ها اغلب با بهره‌گیری از اتوماسیون، فناوری‌های پیشرفته و روش‌های مدیریتی متمرکز، به حداکثر رساندن کارایی و سودآوری می‌پردازند.

مگافارم‌ها از طیف وسیعی از فناوری‌ها، نظیر سیستم‌های تغذیه خودکار، سیستم‌های کنترل آب‌وهوا و تجهیزات نظارت از راه دور، برای بهینه‌سازی فرآیندهای تولید خود بهره می‌گیرند. آن‌ها می‌توانند با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، مدیریت علمی و اقتصادی و توان تولید در مقیاس وسیع، نقشی کلیدی در تأمین غذای جهانی ایفا کنند. این مزارع، با اتکا به روش‌های نوین کشاورزی، می‌توانند بهره‌وری را به‌طور قابل‌توجهی افزایش داده و هزینه‌های تولید را کاهش دهند.

با توجه به فراگیر شدن نظریه ایجاد مگافارم‌ها در سطح جهان، این ایده در کشورهای پیشرو و توسعه‌یافته مورد توجه و اجرا قرار گرفته است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که این ایده می‌تواند به خوبی تولید را به سمت پایداری سوق دهد (دینینگر و بایرلی^۲، ۲۰۱۱).

¹. Boehlje

². Deininger and Byerlee



اگرچه مگافارم‌ها می‌توانند به بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌های تولید کمک کنند، اما چالش‌های جدیدی نیز ایجاد کرده و نگرانی‌هایی به همراه داشته‌اند. مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی مرتبط با مگافارم‌ها همچنان دغدغه و موضوع بحث و تحقیق محققان، سیاست‌گذاران و فعالان حوزه کشاورزی است.

در بخش قابل توجهی از مطالعات صورت گرفته، مفاهیم غیر اقتصادی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین به پدیده‌هایی مانند ایجاد بستر زمین‌خواری، پولشویی، فرار مالیاتی و در نهایت مسائل زیست‌محیطی و اثرات اجتماعی آن، کمتر پرداخته شده است (بالاند و رابینسون^۱، ۲۰۰۸).

بنابراین، آنچه که در حال حاضر در خصوص مگافارم‌ها قابل توجه است، این است که دو رویکرد متفاوت نسبت به احداث و توسعه این مدل در جهان وجود دارد:

الف) رویکرد موافق (اقتصادی-بهره‌وری)

مگافارم‌ها به عنوان رویکردی در حال گسترش در دنیا مطرح هستند. طرفداران این رویکرد معتقدند که مگافارم‌ها به دلیل مقیاس بزرگ تولید، امکان استفاده از فناوری‌های پیشرفته، کاهش هزینه‌های تولید، و افزایش بهره‌وری و کارایی اقتصادی را فراهم می‌کنند. در این شیوه، بازار محصولات کشاورزی با تعداد تولیدکننده کمتری مواجه خواهد بود و کیفیت تولیدات از یکنواختی و بازارپسندی بیشتری برخوردار خواهد شد.

ب) رویکرد منتقدانه (اجتماعی-محیط زیستی)

ظهور مگافارم‌های زراعی و دامی می‌تواند کشاورزی را به طور اساسی متحول کند و به تهدیدی برای موجودیت مزارع خانوادگی، جوامع روستایی و محیط‌زیست تبدیل شود. انحصار بخش کشاورزی توسط چند شرکت، به رقابت ناعادلانه، دستکاری قیمت‌ها و تخریب اکوسیستم‌ها منجر می‌شود. منتقدان مگافارم‌ها بر این باورند که این نوع کشاورزی می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی و محیط‌زیستی منجر شود.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

^۱. Baland and Robinson



۳- گزارش‌های ترجمه‌ای



چارچوب سیاست سرمایه‌گذاری در کشاورزی

Policy Framework for Investment in Agriculture

نوع انتشار: عادی

مترجمان: کوهسار خالدي و مریم اردستانی

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: گروه پژوهشی مدیریت کلان بخش کشاورزی گروه پژوهشی سیاست‌های کشاورزی و غذا

شناسه یکتای سامانه سمع: TR-03-4-1-2255

کد فروست: TR-1404-5

قیمت: ۱۶۵۰۰۰۰ ریال

کمک حیاتی بخش کشاورزی به توسعه‌ی اقتصادی، کاهش فقر و امنیت غذایی، نیازمند سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی است. برای پاسخ به تقاضای فزاینده مواد غذایی ناشی از رشد جمعیت جهان، سطح درآمد بالاتر و تغییرات سبک زندگی افراد و خانوارها در کشورهای مختلف، باید تولیدات کشاورزی طی ۴۰ سال آینده حداقل ۶۰ درصد افزایش یابند. محدودیت منابع پایه (آب و خاک کشاورزی) و در نتیجه، عدم امکان افزایش مطلق سطح زیرکشت، رشد کشاورزی در آینده عمدتاً به افزایش بهره‌وری عوامل تولید متکی خواهد بود. ارتقای بهره‌وری عوامل تولید کشاورزی نیز با انجام سرمایه‌گذاری توسط بخش خصوصی در زمینه‌ی سرمایه‌های فیزیکی، انسانی و دانش محقق می‌شود. آثار سرمایه‌گذاری در کشاورزی، به افزایش مستقیم بهره‌وری و تولید محصولات کشاورزی محدود نمی‌شود و از طریق کمک به مهار فشار فزاینده قیمت مواد غذایی در ارتقای امنیت غذایی جهانی، نقش موثری خواهد داشت.

عملاً طیف گسترده‌ای از سرمایه‌گذاران در حلقه‌های مختلف زنجیره‌های بخش کشاورزی درگیر هستند و سیاست‌ها نه تنها باید در جهت افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی باشند، بلکه باید تضمین کنند که سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، پایدار هستند. کشاورزان داخلی (به‌ویژه خرده‌مالکان در کشورهای در حال توسعه)، اغلب مهمترین سرمایه‌گذاران کشاورزی و منبع اصلی تامین مالی سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی هستند. باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ می‌تواند آثار نامطلوب اجتماعی و زیست‌محیطی نیز همراه داشته باشد. سیاست‌ها، قوانین و مقررات باید به خوبی طراحی و اجرا شوند تا اطمینان حاصل گردد که چنین سرمایه‌گذاری‌هایی منافع اقتصادی و اجتماعی را برای کشور میزبان به همراه دارند و در عین حال، استفاده پایدار از منابع طبیعی را تضمین خواهند کرد.

با هدف حمایت از کشورها در ارزیابی و طراحی سیاست‌های بسیج سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی و به منظور رشد و توسعه‌ی اقتصادی پایدار، توسط OECD «چارچوب سیاست برای سرمایه‌گذاری در کشاورزی» (PFIA)^۱ ارائه شده است. جذب سرمایه‌گذاری خصوصی در کشاورزی، متکی به مجموعه وسیع، منسجم و هماهنگی از سیاست‌ها است که فراتر از سیاست‌های کشاورزی خواهند بود.

^۱. Policy Framework for Investment in Agriculture

PFIA، ابزاری انعطاف‌پذیر است که پرسش‌هایی را برای توجه دولت‌ها (قسمت اول) و تفاسیر^۱ (قسمت دوم) در ده حوزه‌ی سیاستی پیشنهاد می‌کند تا توسط دولت‌های علاقه‌مند به ایجاد محیط جذاب برای سرمایه‌گذاران و افزایش مزایای توسعه‌ی سرمایه‌گذاری کشاورزی، در نظر گرفته شوند. این حوزه‌های سیاستی عبارتند از: سیاست سرمایه‌گذاری، تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری، توسعه‌ی زیرساخت‌ها، سیاست تجاری، توسعه‌ی بخش مالی، منابع انسانی، تحقیق و نوآوری، سیاست مالیاتی، مدیریت ریسک، رفتار تجاری مسئولانه و محیط زیست.

گزارش «چارچوب سیاست سرمایه‌گذاری در کشاورزی»، علاوه بر تبیین یک چارچوب مشخص برای کمک به توسعه‌ی هدفمند سرمایه‌گذاری کشاورزی در کشورها، حاوی نکات و تجارب ارزنده‌ای از برخی کشورهاست که بر حسب نیاز در تحلیل‌های ارائه شده به آن‌ها اشاره شده است:

- ۱) دولت تونس با ایجاد آژانس ترویج سرمایه‌گذاری کشاورزی تونس (IPA) که فقط بر کشاورزی متمرکز است، از فرآیند تشویق و تسهیل سرمایه‌گذاری فراتر رفته است.
- ۲) حفظ محصولات کشاورزی تازه برای عرضه به بازارهای ملی و بین‌المللی نیازمند سیستم‌های سردخانه‌ای است که آن‌ها هم به تامین مطمئن برق بستگی دارد.
- ۳) دسترسی به انرژی (از جمله انرژی‌های تجدیدپذیر) در مناطق روستایی را می‌توان با تشویق مشارکت خصوصی در تولید و توزیع انرژی؛ به‌ویژه در شبکه‌های کوچک یا نیروگاه‌های مستقل بهبود بخشید.
- ۴) یک تنظیم‌کننده‌ی صنعت قابل پیش‌بینی و مستقل و رقابت بین ارائه‌دهندگان خدمات می‌تواند مشارکت خصوصی در خدمات ICT (فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات) را تشویق کنند. این امر، ضمن ارتقای ظرفیت‌های متناسب، اطمینان می‌دهد که خرده‌مالکان نیز می‌توانند از فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان ابزاری برای شناسایی فرصت‌های بازاریابی استفاده کنند.
- ۵) دریافت عوارض و مالیات صادرات بر محصولات کشاورزی (با هدف حمایت از فرآوری محصولات کشاورزی داخلی، تشویق عرضه در بازارهای داخلی با قیمت‌های کمتر از قیمت‌های جهانی و تامین منابع مالی برای سرمایه‌گذاری در تولید کالاها و خدمات عمومی به نفع سرمایه‌گذاران)، ممکن است که تبدیل به مانع سرمایه‌گذاری شود. به همین خاطر هزینه‌ها و منافع مالیات بر صادرات محصولات کشاورزی باید به صورت مداوم ارزیابی شود.
- ۶) لیزینگ به دلیل عدم نیاز به وثیقه علاوه بر حمایت از مکانیزاسیون، می‌تواند دسترسی خرده‌مالکان به منابع مالی را تسهیل کند. قراردادهای لیزینگ را می‌توان بدون در نظر گرفتن سوابق اعتباری توافق کرد و اجاره‌دهندگان، چون مالکیت دارایی نزد آن‌ها باقی می‌ماند، ریسک کمی را متحمل می‌شوند. دولت‌ها می‌توانند نه تنها با طراحی و اجرای یک چارچوب قانونی صحیح؛ بلکه با ایجاد ظرفیت در صنعت لیزینگ، بازارهای لیزینگ را تقویت نمایند.
- ۷) در راستای توسعه تضمین‌های اعتباری، دولت می‌تواند طرح‌های ضمانت اعتباری خود را ایجاد کند و در عین حال از سایر بازیگران مانند سرمایه‌گذاران بزرگ یا انجمن‌های ضمانت متقابل (MGA)^۲، برای ضامن شدن حمایت کند.

¹. Annotations

². Mutual Guarantee Associations

- ۸) حقوق مالکیت معنوی (IPRs)^۱ و مکانیسم‌های اجرایی خوب تعریف شده می‌تواند نوآوری و انتشار آن توسط بخش خصوصی را تشویق کند. حفاظت قوی نه تنها به نفع تحقیق و توسعه‌ی محلی توسط سرمایه‌گذاران خارجی است؛ بلکه محیط امنی را برای SME ها به منظور سرمایه‌گذاری در نوآوری فراهم نموده و در نتیجه به کارآفرینی و رقابت محلی کمک خواهد کرد.
- ۹) بازارهای بیمه اغلب به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی، توسعه پیدا نکرده‌اند. اطلاعات نامتقارن بین ارائه‌دهندگان بیمه و کشاورزان می‌تواند منبع اصلی هزینه‌های بالای معاملات و شکست بازار باشد. بنابراین، تلاش‌ها برای بهبود عملکرد بازار بیمه باید بر پایگاه‌های اطلاعاتی متمرکز شود.
- ۱۰) تعاونی‌ها و شرکت‌هایی که قراردادهای آتی را به کشاورزان ارائه می‌دهند، می‌توانند ریسک خود را از طریق بازارهای آتی و اختیار معامله^۲ انتقال دهند. کشاورزان می‌توانند به طور غیرمستقیم از معاملات آتی برای کاهش عدم اطمینان قیمت و بهبود کشف قیمت سود ببرند.
- ۱۱) تمایز بین نقش‌ها و مسئولیت‌های مربوط به دولت و کسب‌وکار نیز باید به وضوح برای کاهش عدم اطمینان در مورد انتظارات RBC (رفتار تجاری مسئولانه) و در نتیجه، تشویق سرمایه‌گذاری و اجازه دادن به بازیگران بخش خصوصی و دولتی برای ایفای نقش‌های حمایتی متقابل در افزایش رفاه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، اعلام شود.
- ۱۲) کشاورزی قراردادی، طرح‌های رشد و سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند امنیت عرضه را به اندازه تولید مستقیم به سرمایه‌گذاران ارائه نمایند، ریسک‌ها را بین شرکت‌ها و مالکان خرد تقسیم کرده و هزینه‌های مبادله را کاهش دهند. کشاورزی قراردادی می‌تواند از طریق فراهم کردن دسترسی بهتر کشاورزان به فناوری و تضمین عرضه پایدار برای سرمایه‌گذاران، منافع متقابل را فراهم کند. هیچ مدل واحدی به عنوان بهترین گزینه‌ی ممکن ظاهر نمی‌شود و سرمایه‌گذاری، ممکن است که شامل ترکیبی از مدل‌های مختلف باشد. طراحی قرارداد باید از تقسیم ناعادلانه سود میان سرمایه‌گذاران و مالکان زمین‌های کشاورزی جلوگیری کند.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

¹. Intellectual Property Rights
². Futures and Options Markets



تجارت کالاهای کشاورزی ۲۰۲۳-۲۰۱۰

Trade of agricultural commodities 2010-2023

نوع انتشار: عادی

مترجم‌ها: فاطمه سخی، مجتبی پالوج

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: برنامه‌ریزی راهبردی کشاورزی و امنیت غذایی

شناسه یکتای سامانه سمع: TR-03-2-1-2328

کد فروست: TR-1404-6

قیمت: ۱۱۷۰۰۰۰ ریال

- ✓ ارزش پولی^۱ صادرات کشاورزی جهانی** در سال ۲۰۲۳ به صورت اسمی ۱.۷ برابر بیشتر از سال ۲۰۱۰ بود، در حالی که سهم کشاورزی در ارزش تجارت کل کالاها از ۷ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۸ درصد در سال ۲۰۲۳ افزایش یافت.
- ✓ آمریکا بزرگترین صادرکننده خالص مواد غذایی است، در حالی که آسیا بزرگترین واردکننده خالص مواد غذایی به شمار می‌رود. اروپا در سال ۲۰۱۳ به جمع صادرکنندگان خالص مواد غذایی پیوست. اقیانوسیه نیز در سال ۲۰۲۳ توانست جایگاه دومین صادرکننده خالص برتر را مجدداً از آن خود کند.***.
- ✓ در سال ۲۰۲۳، ارزش واحد صادرات دانه‌های روغنی کلزا و سویا به ترتیب ۲۳ و ۱۰ درصد نسبت به رکوردهای سال ۲۰۲۲ کاهش یافت. تولید جهانی سویا با افزایش ۱۷.۴ میلیون تن، عمدتاً به دلیل افزایش ۳۰.۸ میلیون تنی تولید برزیل و بهبود عملکردها، افزایش یافت.
- ✓ صادرات جهانی گندم در سال ۲۰۲۳ به ۱۹۹.۱ میلیون تن افزایش یافت که نسبت به سال ۲۰۲۲، به میزان ۸.۱ میلیون تن بیشتر بود.
- ✓ داده‌های منتشر شده در سال ۲۰۲۳، شاخص‌های تجاری و مقادیر مواد مغذی را معرفی می‌کند. این امر، بینش‌های ارزشمندی را در مورد تجارت جهانی مواد غذایی ارائه می‌دهد، زیرا درک عمیق‌تری از ابعاد تغذیه‌ای تجارت و شاخص‌های کلیدی تجاری فراهم می‌کند.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

^۱ در این گزارش، همه ارزش‌ها به قیمت‌های جاری اندازه‌گیری شده‌اند.

** در این گزارش، «کشاورزی» شامل ماهی‌گیری و جنگلداری نمی‌شود؛ مواد غذایی، غذاهای آبی را شامل نمی‌شود.

*** مقادیر منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای، تجارت درون منطقه‌ای را شامل نمی‌شود.



۴- گزارش‌های ادواری



بررسی ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی ایران (منتهی به زمستان ۱۴۰۱)

Investigation of the Value Added of Iran's Agricultural Sector (up to winter 2022)

نوع انتشار: محدود

تهیه‌کننده: کوهسار خالدي

گروه‌های پژوهشی ذی‌ربط موسسه: گروه پژوهشیمديريت کلان بخش کشاورزی

شناسه يکتابي سامانه سمع: PR-02-4-1-2052

کد فروست: PR-1404-43

قيمت: ۱۷۲۰۰۰۰ ريال

مقدمه

اقتصاد ایران طی سال‌های برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۱)، گرفتار مجموعه عوامل درونزا و برونزای گوناگونی بوده است. خروج ایالات متحده‌ی آمریکا از توافق برجام در سال ۱۳۹۷ و بازگشت و تداوم تحریم‌های اقتصادی در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۷ در کنار شیوع کووید-۱۹ در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ و تغییرات اقلیمی در سال‌های ۱۳۹۸-۱۴۰۱ بر عملکرد تولیدی بخش کشاورزی ایران در این دوره اثرگذار بوده است. فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی ایران از جمله فعالیت‌های کشاورزی آن، همانند فعالیت‌های اقتصادی مستقر در مناطق شهری، مستقیماً تحت تاثیر محدودیت‌های ناشی از بیماری کووید-۱۹ قرار نگرفتند. تحریم اقتصادی به شکل‌های مختلف از جمله ایجاد محدودیت دسترسی به نهاده‌های کشاورزی (از طریق کاهش درآمد ارزی کشور، تحریم سیستم بانکی، تحریم حمل و نقل بین‌المللی و بیمه‌ی آن و...)، افزایش هزینه‌های تولید (از طریق کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت برخی از نهاده‌های کشاورزی و...)، رشد پایین یا منفی سرمایه‌گذاری و موجودی سرمایه‌ی خالص کشاورزی (از طریق کاهش درآمدهای ارزی دولت و سرمایه‌گذاری خارجی) و... بخش کشاورزی را در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۷ تحت فشار قرار داده است اما به نظر می‌رسد که اثر مخرب تغییرات اقلیمی در مناطق گسترده‌ای از کل کشور بر بخش کشاورزی در مقطعی از دوره مزبور (سیل فروردین ماه ۱۳۹۸ و خشکسالی ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱)، قوی‌تر از دو عامل مزبور دیگر (تحریم اقتصادی و کووید-۱۹)، بوده است. نظر به این که آمار رسمی و مستندی از میزان خسارت ناشی از خشکسالی، شیوع بیماری کووید-۱۹ و تحریم بر بخش کشاورزی (به‌ویژه در مورد کاهش تولید محصولات کشاورزی کشور) در سال‌های مورد بررسی، تهیه و یا منتشر نشده است، امکان ارزیابی آثار این سه عامل مزبور بر شاخص‌های اقتصادی بخش کشاورزی کشورمان وجود ندارد. مطالعه حاضر در ادامه سلسه گزارش‌های ادواری چند سال گذشته در زمینه ارزش افزوده کشاورزی کشورمان، صرفاً با هدف بررسی روند و مقایسه تطبیقی شاخص‌های مرتبط با ارزش افزوده گروه (بخش) کشاورزی ایران در سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۱ و با تفکیک فصول و بر مبنای قیمت‌های سال پایه ۱۳۹۰ به نگارش در آمده است. آمار و اطلاعات مورد استفاده در این گزارش از آخرین گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران اخذ شده است.

الف) یافته‌ها

فصل بهار

نسبت ارزش افزوده فصل بهار سال ۱۴۰۱ به فصل بهار سال ۱۳۹۶ برای گروه کشاورزی و گروه خدمات معادل ۱/۱، برای گروه صنایع و معادن ۰/۹ و برای کل اقتصاد کشور با نفت حدود ۱/۲ و بدون نفت حدود ۱/۱ بوده است. ارزش افزوده فصل بهار ۱۴۰۱ نسبت بهار ۱۴۰۰، تنها در گروه کشاورزی، روند کاهشی داشته است. در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶، همراه با کاهش سهم ارزش افزوده گروه صنایع و معادن از ۴۷ درصد در بهار ۱۳۹۶ به ۳۸ درصد در بهار ۱۴۰۱، بر سهم ارزش افزوده فصل بهار گروه خدمات افزوده شده است. سهم ارزش افزوده فصل بهار ۱۴۰۱ گروه کشاورزی نسبت به فصل مشابه سال قبل، حدود ۰/۴ درصد کاهش یافته است. ارزش افزوده «زیربخش کشاورزی» حدود ۹۷ درصد کل ارزش افزوده گروه کشاورزی را در فصل بهار سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶ تشکیل داده است. اگرچه در فصل بهار دوره ۱۴۰۱-۱۳۹۶، تنها گروه صنایع و معادن، نرخ رشد اقتصادی منفی را تجربه نموده است (۲/۸- درصد) اما در فصل بهار ۱۴۰۱ این تنها گروه کشاورزی بوده است که نرخ رشد اقتصادی منفی (۰/۸- درصد) داشته است (کاهش ۰/۸۴۷ هزار میلیارد ریال ارزش افزوده).

فصل تابستان

نسبت ارزش افزوده فصل تابستان سال ۱۴۰۱ به فصل تابستان سال ۱۳۹۶ برای گروه کشاورزی معادل ۱/۰۶، گروه خدمات معادل ۱/۱۸ و برای گروه صنایع و معادن برابر ۰/۸۳ و برای کل اقتصاد کشور با و بدون نفت به ترتیب حدود ۱ و ۱/۱ بوده است. در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶، همراه با کاهش سهم ارزش افزوده گروه صنایع و معادن از حدود ۴۶ درصد در تابستان ۱۳۹۶ به حدود ۳۷ درصد در تابستان ۱۴۰۱، بر سهم ارزش افزوده فصل تابستان گروه‌های کشاورزی و خدمات افزوده شده است. سهم ارزش افزوده فصل تابستان ۱۴۰۱ گروه کشاورزی نسبت به فصل مشابه سال قبل، حدود ۰/۵ درصد کاهش یافته است. زیربخش کشاورزی حدود ۹۹ درصد از کل ارزش افزوده کشاورزی کشور را در فصول تابستان ۱۴۰۱-۱۳۹۶ به خود اختصاص داده است. گروه کشاورزی با نرخ رشد دوره‌ای ۱/۲ درصدی در فصل تابستان سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶ بعد از گروه خدمات در رتبه دوم قرار گرفته است. در فصل تابستان ۱۴۰۱، تنها گروه کشاورزی از نرخ رشد اقتصادی منفی (۳- درصد) برخوردار بوده است (کاهش حدود ۴/۹ هزار میلیارد ریال ارزش افزوده). اثر خشکسالی در منفی بودن نرخ رشد اقتصادی گروه کشاورزی در تابستان ۱۴۰۱، قابل چشم‌پوشی نیست.

۶ ماهه اول سال

در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶ رشد دوره‌ای ارزش افزوده نیم سال اول فقط در بخش صنایع و معادن، منفی بوده است. بررسی وضعیت ارزش افزوده گروه کشاورزی در نیم سال اول سال ۱۴۰۱ و مقایسه آن با زمان مشابه سال قبل، بیانگر رشد اقتصادی منفی (۲/۲- درصد) و کاهش ۰/۴ درصدی سهم ارزش افزوده آن در کلان اقتصاد می‌باشد (کاهش حدود ۵/۷ هزار میلیارد ریال).

ارزش افزوده). تشدید خشکسالی، تغییر سیاست دولت و آثار تحریم اقتصادی در سال ۱۴۰۱ را می‌توان از جمله عوامل موثر در کاهش رشد اقتصادی بخش کشاورزی و کاهش سهم آن در نیم سال اول ۱۴۰۱ قلمداد کرد.

فصل پاییز

نسبت ارزش افزوده فصل پاییز سال ۱۴۰۱ به فصل پاییز سال ۱۳۹۶ برای گروه‌های کشاورزی، ۰/۹۸ و خدمات برابر ۱/۱۷، برای گروه صنایع و معادن ۰/۸۸ و برای کل اقتصاد کشور، اندکی بیش از واحد (۱/۰۱) بوده است. ارزش افزوده فصل پاییز ۱۴۰۱ نسبت به پاییز ۱۴۰۰، در گروه‌های اقتصادی خدمات و صنایع و معادن (به دلیل کاهش محدودیت‌های کرونایی فراروی فعالیت‌های اقتصادی)، افزایش و در گروه کشاورزی (به دلیل تشدید خشکسالی)، حدود ۱۲ هزار میلیارد ریال کاهش پیدا کرده است. سهم ارزش افزوده فصل پاییز ۱۴۰۱ گروه کشاورزی (۷/۱ درصد) نسبت به فصل مشابه سال قابل (۸/۱ درصد)، کاهش چشمگیری داشته است (حدود یک درصد). گروه کشاورزی در فصل پاییز سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶ نرخ رشد دوره‌ای منفی را تجربه کرده است (۰/۳- درصد). گروه کشاورزی به دلایلی از جمله اثرگذاری خشکسالی شدید بر فعالیت‌های آن در پاییز ۱۴۰۱، دارای نرخ رشد اقتصادی منفی بالایی را بوده است (۷/۹- درصد).

۹ ماهه اول سال

نسبت ارزش افزوده ۹ ماهه اول ۱۴۰۱ نسبت به ۹ ماهه اول ۱۳۹۶ در گروه کشاورزی، ۱/۰۳ و خدمات ۱/۲ و در گروه صنایع و معادن معادل ۰/۸۶ بوده که برآیند آن‌ها، نسبت ۱/۰۲ برای کلان اقتصاد کشور بوده است. تفاوت در اتخاذ و کارآمدی سیاست‌های بخشی، اثرپذیری متفاوت از تداوم تحریم‌های اقتصادی و محدودیت‌های تحمیلی ناشی از آن در میان گروه‌های اقتصادی سه گانه (کشاورزی، خدمات و صنایع و معادن)، عوامل دیگری بوده‌اند که بر میزان ارزش افزوده گروه‌های اقتصادی در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۱ اثرگذار بوده‌اند. نرخ رشد دوره‌ای ۹ ماهه اول در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶ در گروه‌های کشاورزی (۰/۶- درصد)، گروه خدمات (۳/۷ درصد و کلان اقتصاد (۰/۵-)، مثبت و در گروه صنایع و معادن (۳- درصد)، منفی بوده است. در ۹ ماهه اول سال ۱۴۰۱ این تنها گروه کشاورزی بوده که نرخ رشد اقتصادی منفی (۴/۳- درصد) را تجربه کرده است (کاهش حدود ۱۸ هزار میلیارد ریال ارزش افزوده).

فصل زمستان

نسبت ارزش افزوده فصل زمستان سال ۱۴۰۱ به فصل زمستان سال ۱۳۹۶ برای گروه کشاورزی و کلان اقتصاد برابر ۱/۱، برای گروه خدمات برابر ۱/۲ و برای گروه صنایع و معادن، ۰/۹ بوده است. تحریم اقتصادی و فشارهای ناشی از آن را باید مهم‌ترین عامل برونزای اثرگذار بر ارزش افزوده گروه‌های اقتصادی کشور در فصل زمستان ۱۴۰۱ معرفی کرد. گروه کشاورزی با میانگین نرخ رشد دوره‌ای ۱/۱ درصدی، بعد از گروه خدمات در رتبه دوم رشد اقتصادی ایران در فصل زمستان سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۱ قرار گرفته است. در فصل زمستان ۱۴۰۱، نرخ رشد اقتصادی تمامی گروه‌های اقتصادی کشور به استثنای گروه کشاورزی، مثبت بوده است (کاهش حدود ۶/۹ هزار میلیارد ریال ارزش افزوده).

سالانه

نسبت ارزش افزوده سالانه ۱۴۰۱ به ۱۳۹۶ در گروه کشاورزی و کلان اقتصاد، نزدیک واحد، در گروه خدمات بیش از واحد و در گروه صنایع و معادن، کمتر از واحد بوده است. اگرچه تداوم تحریم‌های اقتصادی، همچنان بر ارزش افزوده گروه‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۱، موثر بوده است لیکن بخش کشاورزی در کنار تحریم اقتصادی و تبعات مخرب آن، از خشکسالی نیز متأثر شده است. گروه کشاورزی در کل دوره ۱۴۰۱-۱۳۹۶، سالانه حدود ۷ درصد ارزش افزوده اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده است. گروه کشاورزی بجز در سال‌های ۱۳۹۷، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، نرخ رشد اقتصادی مثبتی را در سال‌های ۱۴۰۱-۱۳۹۶ تجربه نموده است. نرخ رشد دوره‌ای گروه کشاورزی و گروه خدمات در سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۱، مثبت بوده است. نرخ رشد اقتصادی هدف برنامه ششم توسعه (۸ درصد)، توسط هیچکدام از بخش‌های اقتصادی و در نتیجه، کلان اقتصادی محقق نشده است. ارزش افزوده کشاورزی در سال ۱۴۰۱ نسبت به ۱۴۰۰ حدود ۲۲/۵ هزار میلیارد ریال کاهش پیدا کرده است.

ب) پیشنهاد های اجرایی

- با توجه به اثرپذیری بالای ارزش افزوده کشاورزی از خشکسالی، پیشنهاد می‌شود که در راستای حفظ روند و افزایش رشد ارزش افزوده مثبت گذشته و جلوگیری از تعمیق رکود اقتصادی گروه کشاورزی در آینده، در کنار تامین نهاده‌های مورد نیاز از دو منظر عرضه فیزیکی و قیمتی به صورت ویژه توسط دولت، مدیریت آثار و تبعات خشکسالی در بخش کشاورزی (نظیر شناسایی کشاورزان آسیب دیده از خشکسالی و پرداخت خسارت بدان‌ها، حمایت از تداوم فعالیت کشاورزی در مناطق آسیب‌پذیر از خشکسالی، تامین آب پایدار برای کشاورزان، هدایت الگوی کشت به سمت محصولات مقاوم در مقابل گرما و کم‌آبی و...) نیز به صورت جدی مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است در صورت تعمیق و تشدید خشکسالی در کنار عدم تامین بهنگام، کافی و با قیمت مناسب نهاده‌های کشاورزی وارداتی و تولید داخل (به‌ویژه آب)، کاهش تولید و به تبعیت از آن، افت ارزش افزوده و رشد اقتصادی کشاورزی کشور در آینده، قابل انتظار خواهد بود.
- در راستای جلوگیری از تخریب بیشتر منابع پایه کشاورزی (آب، خاک و تنوع زیستی) و تثبیت بلندمدت رشد اقتصادی کشور از یک سو و مدیریت تبعات بحران‌های دوگانه (خشکسالی و تحریم اقتصادی) در بخش کشاورزی از دیگر سو، مقوله جهش تامین منابع مالی برای این بخش به شکل افزایش سرمایه‌گذاری هدفمند داخلی و خارجی در زیربنای آب، خاک و محیط زیست گیاهی و جانوری و همچنین فعالیت‌های اولویت‌دار (نظیر کشت‌های گلخانه‌ای، نوسازی ابزارها و ماشین‌آلات کشاورزی و...) با فوریت برنامه‌ریزی و اقدام شود.
- در راستای مدیریت تبعات ناشی از تداوم خشکسالی و خروج بخشی از نیروی کار کشاورزی از فعالیت‌های کشاورزی، ضرورت دارد که با تشکیل ستاد بحران در وزارت جهاد کشاورزی، ضمن برنامه‌ریزی و اقدام برای جلوگیری از گسترش فقر در میان کشاورزان و روستائیان، تدابیر لازم برای مواجهه با آثار مثبت یا منفی خروج طیف‌های مختلف نیروی کار (ماهر و نیمه ماهر، ساده و متخصص، زن و مرد، جوان و مسن و...) از بخش کشاورزی اندیشیده شود.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



مجموعه عناوین و خلاصه مدیریتی جدیدترین انتشارات مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی (بهار ۱۴۰۴)

نوع انتشار: عادی

گروه پژوهشی ذی‌ربط مؤسسه: معاونت پژوهشی

تهیه‌کننده: سحر اسکندری

کد فروست: ۳۸-۱۴۰۴-PR

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



۵- یادداشت‌های سیاست‌گذاری



تحلیل تورم خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات در خردادماه ۱۴۰۴

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: کتابون شمشاری

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۸۵

کد: BR-2-14040416-(08)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

نرخ رشد مثبت ارزش افزوده ی بخش کشاورزی ایران در سال ۱۴۰۳

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: کوهسار خالدي

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۸۶

کد: BR-6-14040430-(09)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

وضعیت اشتغال بخش کشاورزی ایران در سال ۱۴۰۳

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: کوهسار خالدي

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۸۷

کد: BR-6-14040508-(10)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



تحلیل تورم خوراکی ها، آشامیدنی ها و دخانیات در تیرماه ۱۴۰۴

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: کتابون شمشادی

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۸۸

کد: BR-4-14040511-(11)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

بررسی دلایل افزایش قیمت حبوبات

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: کتابون شمشادی

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۸۹

کد: BR-4-14040513-(12)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

چشم انداز بازار جهانی غلات و پیامدهای سیاستی آن در افق ۲۰۳۲

نوع انتشار: عادی

ترجمه و تدوین: فریبا عباسی، الهام مهرپرور

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۹۰

کد: BR-4-14040526-(13)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



تامین مالی جمعی (Crowdfunding)؛ ابزار نوین تأمین مالی بخش کشاورزی

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: سید محمد فهیمی فرد

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۹۱

کد: BR-4-14040616-(14)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

تعداد نظام‌های میراث کشاورزی مهم جهانی (GIAHS) به ۱۰۲ مورد رسید

نوع انتشار: عادی

تهیه کننده: شهره سلطانی خانکهدانی

ناظر علمی: علی کیانی‌راد

دوره انتشار: سال ۶، شماره ۹۲

کد: BR-3-14040623-(15)

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX



تهران - بلوار کریمخان زند - انتهای خیابان شهید عضدی (آبان) جنوبی - خیابان رودسر - پلاک ۵

تلفن: ۴۲۹۱۶۰۰۰ شماره: ۸۸۸۹۶۶۶۰ کدپستی: ۳۷۳۱۳-۱۵۹۸۶

<https://www.agri-peri.ac.ir>

E-mail: aperi@agri-peri.ac.ir

ECE: ece.aperi@agri-peri.ac.ir